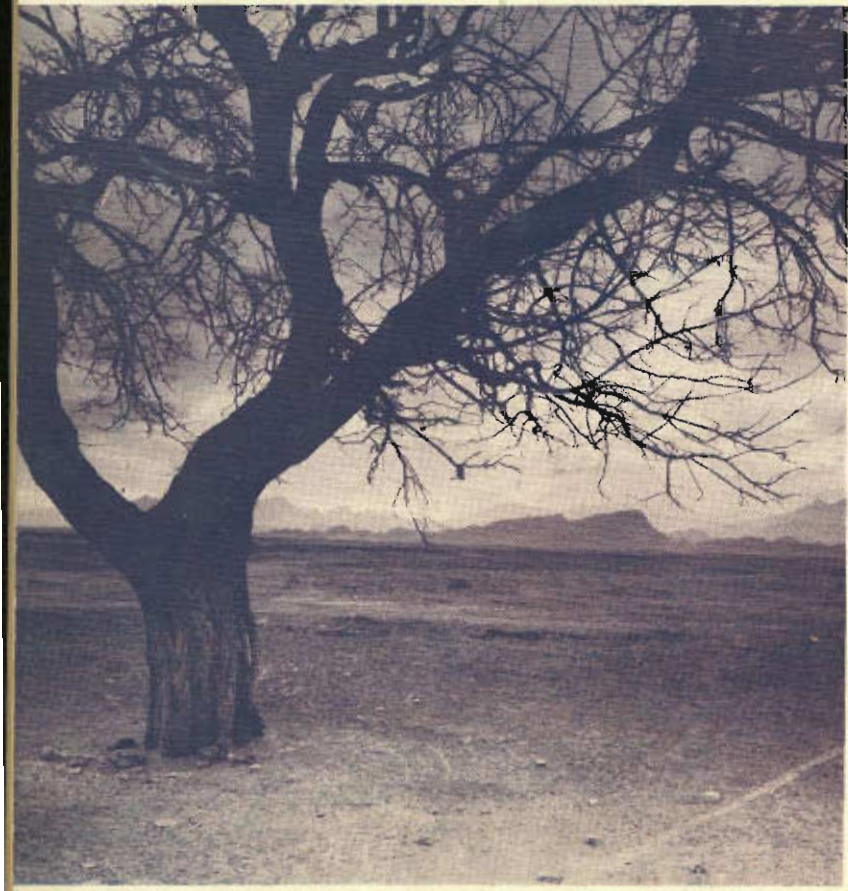


# هفتی و هزده



# هنرمردم

## از اشارات هنرهای زیبای کشور

آذرماه ۱۳۴۲

شماره چهاردهم - دوره جدید

در این شماره :

- موجبات ترقی و توسعه هنر در ایران . . . . . ۳
- شاکتکارهای هنر تریبی . . . . . ۱۰
- موسیقی دانان قبل از اسلام . . . . . ۱۴
- حسین امالیان . . . . . ۱۷
- آینه و برگشتن آن . . . . . ۲۲
- باغ شاد قین در گلستان . . . . . ۳۶
- عکاسی . . . . . ۴۳
- ما و خوانندگان . . . . . ۴۸

مدیر : دکتر ا. خداینداد  
سرمدیر : عمارت‌الله خجسته  
طرح و تنظیم از صادق برزالی

تشریح اداره روابط بین‌المللی و انتشارات

نشانی : خیابان حقوقی شماره ۱۸۳ تلفن ۷۱۰۵۷



عکس از : کرمانی

روی جلد : منظره

جایگاه سازمان - مدعی و پبیری  
هنرهای زیبای کشور

بها ۶ ریال

# موجبات ترقی و توسعه میهنسازان ایران

شاهنشاهی ایران ؛ دستار هنر و پشتیبان هنرمندان

«... شاه شمسدران در دست نامی از شب بیدار نشستی

نام هنرمندان در روز شمع او بکار برد از آنده...»

بجای دکاء  
رئیس موزه مردم شناسی

عزیز که از روزگاران گذشته تا امروز برجای مانده و بدست ما رسیده است اغلب شاهکارها و نمونه‌هایی است که بدستور و تحت توجه و تشویق پادشاهان بزرگ و امرای بسا ذوق و هنرپرور ساخته و پرداخته شده است و همواره نمونه‌های عالی آثار هنری در دامن دینارهای ایران پرورش یافته و تولید شده است . رفیع‌ترین و زیباترین کاخها و مسجدها و ساختمانها برای پادشاهان با بامر و تشویق آنان بوجود آمده است . بهترین و نفیس‌ترین قالی‌ها و قالیچه‌ها برای فروش کردن همان کاخها و بناها یافته شده است . عالی‌ترین ظرفها و اثاثیه برای مصرف آنها ساخته شده است . بهترین مخملها و زریها و حریرها برای تزیین شاهان و امرا آماده شده است . عالی‌ترین کتابها و خطها و نقاشیها و تذهیبها برای کتابخانه‌های پادشاهان نوشته و شایسته شده است .

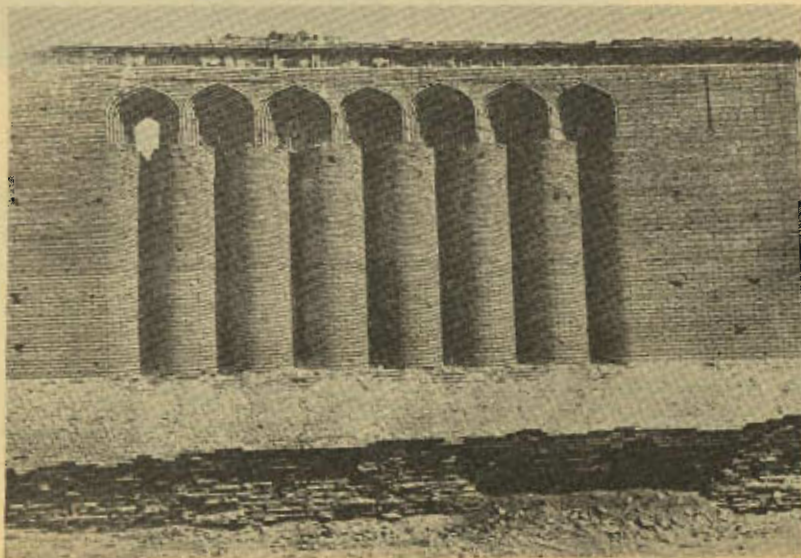
تاریخ و آثار بازمی‌اند . خود بهترین گواهند که هر اندازه این توجه و رغبت ، این تشویق و تحسین ، در حق هنرمندان بیشتر می‌شد گشته ، همان اندازه هر ، هنر و صنعت و ذوق و استعداد که در واقع نماینده روح حقیقی يك ملت است رو بترقی و پیشرفت نهاده و اثرات عالی بنیاد آورده است . خواهد در تاریخ هنر ایران برای اثبات این مدعا بسیار است و برای مثال میتوان ترقی و توسعه میهنسازان را در هنرهای ملی را در بین قرنهای هشت و یازدهم هجری تحت مطالعه در آورده ،

هنر و مردم



بنقاب کهنه کاری شده رنگارنگ  
قرن یازدهم میلادی . موزه  
برلن

برنات ملک ، لینه دوم قرن  
یازدهم میلادی



از مطالعه دقیق در تاریخ هنر و خصوصیات زندگی آنس و روحیهی هنرمندان ایران و پیروی از تعال تزل و ترقی هنر در این سرزمین چنین بدست می‌آید که همواره اصل توجه و تشویق و فراهم آوردن محیط و وضع مساعد برای هنرمندان در این کشور یکی از عناصر مهم پیشرفت و ترقی هنر بوده است . اصولاً در عهدهای گذشته بندرت اتفاق می‌افتاده است که هنرمندی برای ارشاد ذوق و میل مالمی خود ، استعداد هنریش را بکار اندازد و تنها برای حلا شس خویش اثری می‌آفریند .

هنرمند ایرانی همیشه درین محرک می‌گشته و جویای محوری بوده که پروانهوار دور شمع وجود او پرواز در آمده ، ماه جان و شیره استعدادش را در پای آن تار نماید . او همواره کشته توجه و تحریک و تشویق بوده ، تا شعله استعدادش بشکند و با دستهای هنرمندش خلق بدایع منابع بپردازد .

از مطالعه چگونگی دوره‌های پیشرفت هنر ایران ، مشاهده می‌گردد که هرگاه پادشاهان مقتدیری ظهور کرده ، به خرج و مریحها پادان داده ، آرامش در کشور پدید آورده ، محیط مساعدی برای تشویق هنرمندان که باید آثار ارزشمندی را در صحنه خیال بکار بپردازند ، بوجود آورده‌اند ، آن هنگام هنر نیز جذب و جوش افزاده در راه توسعه پیشرفت گام برداشته است . انکار نمیتوان کرد که بسیاری آثار با ارزش



پلی سرخ زرگوب  
وسیم گوب، قرن سیزدهم  
میادی، نوزاد ایرانستان

سهم این قبیل هر روز را در پیشرفت و ترقی هنر این دورانها تعیین نمود.

امیر تیمور مؤسس سلسله کورکان با آنکه اصولاً مردی سناک و غیرهنگش بود ولی امیری هنردوست بود، وی در ضمن فتح شهرها و تصرف بلاد اسلامی، هر جا هنرمند ماهری سراغ میگرفت او را پیش خود خوانده، بیادخت خود سرفرد روانه میکرد. او میخواست، سرفرد را عروس شهرهای آسیا گرداند و در یاری باشکوه و جلال پدید آورد. اجتماع هنرمندان از توابع و ضابط مختلف در سرفرد، رفخرفته خود اجنبی از اینگونه مردم با ذوق و استعداد، در ماوراءالنهر فراهم آورده سطح هنر را در این گوشه از ایران چنان بالا برد که نتایج متنوع آن چندین سال بعد مشهود افتاد.

شاه رخ فرزند تیمور که برخلاف پدر، مردی مهربان و ملایم و جهاندار و علمدوست بود در شهر هرات مقر امارت خود، کتابخانه با نامطالع امروز هنرستانی بوجود آورد که همه گونه مردم از ادیب صنایع در آن جمع بودند، و بر اثر تنوعها و هم روزیهای او شب و روز در خلق آثار بدیع میکوشیدند.

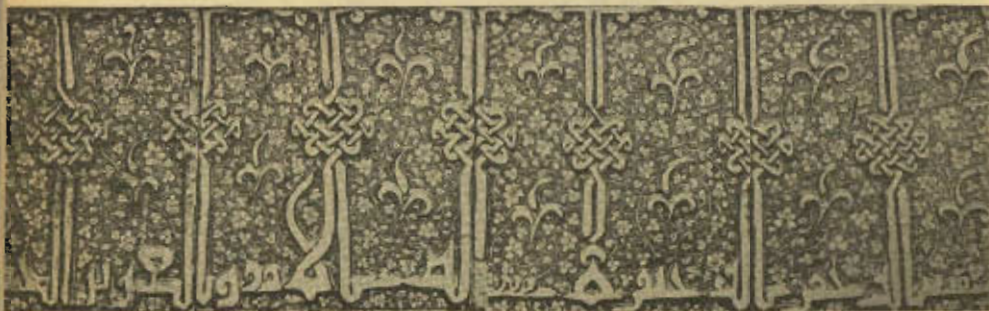
بعد از شاه رخ فرزندان و نوادگهای او نیز که بکتاب دوستی

منحالی از قرآن بعد کوفی و مدعی، قرن ۱۳ - ۱۱ میادی.  
مجموعه چترینی

کلیبری گفته شده از سوره دست آمده است. قرن ۱۴ یا ۱۳ میادی.  
موزه هرهای زیبای بوستن



کتابخانه با سطرکوفی تریینی برجسته، کاشان، قرن ۱۳ میادی، مجموعه گمان



هر و مردم



پادشاهان صفوی نیز در حقیقت در امر تشویق هنرمندان و توجه به هنرهای ملی تأسی باین خاندان کرده و وزارت هنرپروری آنان بودند و با مسامحه خود بر این امر مهم باعث آمدند که مراکز هنری و هنرستانهای دیگری در سایر شهرهای ایران پدید آمده ، بر دامنه و تنوع هنر ایران بیش از پیش افزودند.

نوشته‌اند شاه اسمعیل صفوی لشکر بهرات نکشید مگر برای بیچنگ آوردن کمال‌الدین بهزاد . چنانکه بعضی دست یافتن بر این استاد ، او را با عزت و احترام تمام ، همراه خود به تبریز پایتخت خویش برد و بوجود این هنرمند عالیشان ، مکتب‌نقاشی تبریز ، جانی تازه گرفت و رونق بی‌سزا یافت و بهزاد در آن شهر ، شاگردانی پرورش داد که هر یک چون خود استاد شهره جهان گشتند .

میگویند شاه اسمعیل بهزاد را چندان عزیز و دوست میداشت که حتی حاضر نبود او را با نیمی از کشور خود عوض نماید . و باز نوشته‌اند که پادشاه صفوی ، از خوشنویس معروف «شاه محمود نیشابوری» را در سفر وحضر و حتی در میدانهای جنگ نیز همراه خود داشت و در حفظ و حرمت آنان سخت اهتمام می‌رورزید ، چنانکه در جنگ چالدران دستور داد آنسو را در صحنه‌ی محکم منحنی و محفوظ نگاهدارند تا از تیر و حمله دشمن آسیبی نبینند و چون هنگامه جنگ شروع شد و شاه مغلوبانه باره‌نگاه بازگشت ، در آن حال موضوع ، نخستین سؤالی که اطرافیان خود کرد حال و خبر سلامت آن دو هنرمند بود . آری بر اثر همین گونه توجهات و پاسداریها بود که



بالا : عقرنس کاری بر زر شیخ عبدالصمد استهبانی در نظر . ۷۰۷ هجری قمری

چپ : شمشه صفحه اول قرآن ، نوشته شده در ماه ذی‌حجّه در سال ۷۲۸ هجری قمری ، محفوظه چستریتی

بالا : پارچ سرنخی سیم و زر کوب و کنده‌کاری شده قرن نهم میلادی ، محفوظه کتبستان



راست : میسازورهای وهماپون ، نقاشی روی ابریشم بیک مکتب هرات ، ۸۳۳ هجری قمری ، محفوظه کتبستان دوبی‌کو



هنر مردم

و هنرپروری و گاهی به نمرندی شهره آفاقند همین شیوه را پیشه خود ساختند و نیز انجام کار را بخایی رسانیدند که هرات را مرکز مهم هنر و هنرمندان آن زمان ساختند ، محطی بوجود آوردند که هنرمند بزرگی چون کمال‌الدین بهزاد در آن بوجود آمد و آثار و شیوه تازه‌اش شهره جهان گشت .

برخی از شاهزادگان گورکانی علاوه بر خریدوستی و هنرپروری ، خود هنرمند نیز بودند ، بای‌سفر میرزا ارستانان سلم خط نلث‌بود ، و نمونه خط او در کتیبه‌های مسجد گوهرشاد - مشهد ، مسجود چشماهی هنردوستان را روشنی می‌بخشد . شاهنامه‌یی که بنسبتور این شاهزاده نوشته و نقاشی شده و اینک در کتابخانه سلطنتی محفوظ است یکی از شاهکارهای هنر ایران بلکه جهانست .

خلاصه مطلب آنکه ، در این دوران بر اثر تشویق و ترغیب این پادشاهان و شاهزادگان ، بازار هنر و هنرمندان چندان گرم شده ، روح یافت که با در این زمان بیش از هر وقت دیگر بنام و آثار هنرمندان استاد و ماهر در رشته‌های مختلف هنری برمی‌خوریم و بیش از هر دوره دیگر ، شاهکارهای هنری از آن زمان بیادگار داریم .



نسخه‌ای از خط شاه محمود نیشابوری، خوشنویس قرن نهم هجری، موزه هنرهای آرمینی



قسمی از نقاشی با نقش نگارگاه بافت تبریز. ربع دوم قرن میلادی، مجموعه بارون هانواں



و هنرمندان بزرگی همچون میرعباد و علی‌رئای عباسی در خوشنویسی و رئای عباسی در نقاشی و گیاه‌نقش‌بندی در زری باقی به‌طور رسیدند و گنجینه هنر ایران را غنا بخشیدند.  
در مورد اهتمام و توجه او به هنر و هنرمندان داستانهای بسیاری هست از جمله نوشته‌اند: وقتی یکی از پادشاهان استاد، یک قطعه نقاشی عالی معروض حضور داشت، شاه چنان از جبرمندی و هنرمندی او مبهوت گردید که بی‌اختیار دست هنرمند را بر لبان خود زد و بیک کرده پرسید:  
یاز من بویستد که بارها تا پاسی از شب، شمع‌دان در دست گرفته بپهلوی استادان نقاشی و خوشنویسان می‌نشست تا هنرمندان در لور شعاع او، بنگار پردازند.  
شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۳۸) بفرآ گرفتن نقاشی‌گری اشتیاق فراوان داشت، نماینده شرکت هلندی در امپراتور نقاشی خدمت وی گماشت تا با او نقاشی آموزد و شاه بارها نمایان این دو تن در نقاشی دست یافت و هنوز کمترینی که اثر دست اوست و در «قلعه کلا» سال ۱۰۴۵ ه. ق. نقاشی شده است در مجموعه موزه سلطنتی گلستان محفوظ است.  
آری بر اثر اینگونه تشویق‌ها و هنرپروری‌ها بود که هنر و صنایع ایران در دوره صفوی چنان پیشرفت کرد که در تاریخ هنر ایران کمتر نظیری بر آن می‌توان یافت.

به نگارچی، باضای رئای عباسی، اواخر قرن ۱۶ میلادی  
پاس: تصویر کوبور- آملک، کارخانه‌عباس دوم، موزه سلطنتی گلستان



هنرمندان از هر گوشه جهان و کشور روبه‌ریار پادشاهان ایران می‌آوردند و بر اثر تشویق و ترغیب آنان شاهکارهای بی‌نظیر و ارزشمندی بوجود می‌آوردند که امروزه موزه‌های مهم جهان بدانشین قطعه‌ای از آنها برخورد می‌یابند.  
شاهان و شاهزادگان دیگر صفوی نیز بوی خود، بپس‌سلسله، تأسی‌جسته، همواره در بزرگداشت هنرمندان و پیشرفت دادن هنرهای ملی سخت‌کوشا بودند.  
شاه طهماسب اول خود در بزرگداشت بهزان و آقامیرک، نقاشی فرا گرفته بود و بسیاری از شاهزادگان صفوی ذوقتون بودند یعنی علاوه بر اینکه در میدان جنگ مردانی رشید و جنگاور بودند از هنرهای گوناگون همچون نقاشی و موسیقی و عظامطبی و خاتم‌بندی و شعر و ادب بهره‌مند بودند و هر یک از آنان گروهی از هنرمندان را بدور خود گردآوردند و به خلق آثار زیبا و پدید

و امیدآشتند. بهترین نمونه اینگونه هنرپروران شاهزاده ناکام سلطان ابراهیم میرزای صفوی بود که در حق او نوشته‌اند:  
«از مستندان روزگار با انواع فضل و کمال آراسته و بخون هنرپروری پیراسته بود، خط شعلیق را بسیار خوب مینوشت، محصور نازک‌نظم بود، در موسیقی و علم ادوار برآمد روزگار، در تزیین قول و عمل شاگرد مولانا قاسم قانونی بود، ساز را خوب مینواخت و در صنعت درودگری و سائر نقاشی و خاتم‌بندی مهارت تام داشت و در خراسان اکثر اوقات با شعرا، و از باب تعلم و بلاغت صحبت می‌داشت و خوب‌جایه تخلص می‌کرد».  
از مشوقین بزرگ هنرمندان، شاه‌عباس بزرگ را باید نام برد که دوره پادشاهی او یکی از دوره‌های هنری بسیار مهم ایران است. در عهد او بسیاری از هنرها و صنایع پیشرفت شگفت‌آوری نوه و سراسر تربیت و تشویق‌های او استادان

# شاهکارهای هنرترینی

دکتر عیسی بهنام  
استاد دانشگاه

بدون شک هنرمندان ایرانی بیش از همه چیز فرشته تزیینات و هنرهای تزیینی هستند. مهم‌ترین قسمتهای پلک کاخ تزیینات سر در و بالای پنجره و کنارهای دیوارهای آنست. ارزشمندترین قسمت پلک‌کتاب صفحات منورآن است. همین اصل در شعر و ادبیات دوره‌های مختلفه تاریخی ایران بکار برده شده. میگویند ساختن جواهرات از خصوصیات مردم چادرنشین است. آریایها پیش از این که خاک ایران را مسکن سکونت خود قرار دهند درمشها و مراع وسیع و سیرآسیای مرکزی زیر چادرها زندگی می‌کردند و کار عمدی آنها چراندن گله‌های گوسفند و اسب بود. علت شوق آنها بر سایر قبایل آسیا و اروپا همین خصوصیات صحراگرسی آنها بود. صحراگردان نازمانی که درشها ثابت نشده بودند مردمان بسیار جنگجو و شجاع و نیرومند بودند و سکونت درشها از قدرت سربازی آنها می‌گاست.

شاید کلمه چادرنشین امروز برای ما مفهوم دیگر از معنای اصلی آن پیدا کرده است. نباید تصور کرد که چادرنشینان بریمی فقیر یا بی‌هنر بوده‌اند. در چادرهای محلل رؤسای قبایل زیباترین قالی و ارزنده‌ترین زری و جامه‌های سبزه و زربین و جواهرات دیده میشد. وقتی پدران ما وارد سرزمین ایران شدند و تنگناهای محکم شاهنشاهی را بوجود آوردند علاوه به هنرهای تزیینی را از دست ندادند. لباسهای فاخر برتن کردند. اسبهایشان را به انواع تزیینات و حتی جواهرات مزین نمودند. فرشهای گرانبها روی زمین نالارهایشان گسترده. می‌گویند پرمه‌های در مقابل ایوان گسری آویزان بود که به انواع تزیینات و جواهرات آراسته شده بود. االیف سیم و زر آمیخته با ناز بود این برده و غشوش بافته آن، مناظر باغ و گل



پلنگ برزی کار ایران - ارمان اشکانی - دربر و جرد پیدا شده و بعورت شمدانی بکار برده شده است. یکی از شاهکارهای هنر فلزکاری ایران است و اکنون در موزه «کلوانده» در آمریکا محفوظ است

گردن بند و فلان کمر و سینه برز و گویواره طلا مزین به یاقوت و زمرد و فیروزه از دوره اشکانی. این اشیاء در ایران پیدا شده و امروز قسمتی از آن در موزه نیویورک و همین دیگر در موزه فلادلی محفوظ مساند و نمونه یکی از شاهکارهای هنر جواهرسازی ایران بحساب می‌آید



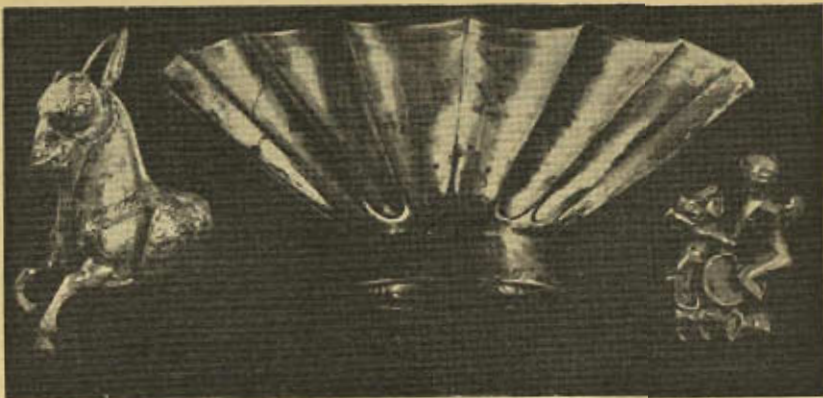
و پیل را نشان میداد.

به لبه‌های قالی شاهنشاهان و بزرگان دودمان هخامنشی، اشکال مختلف زری آمیخته با سنگهای قیمتی دوخته شده بود.

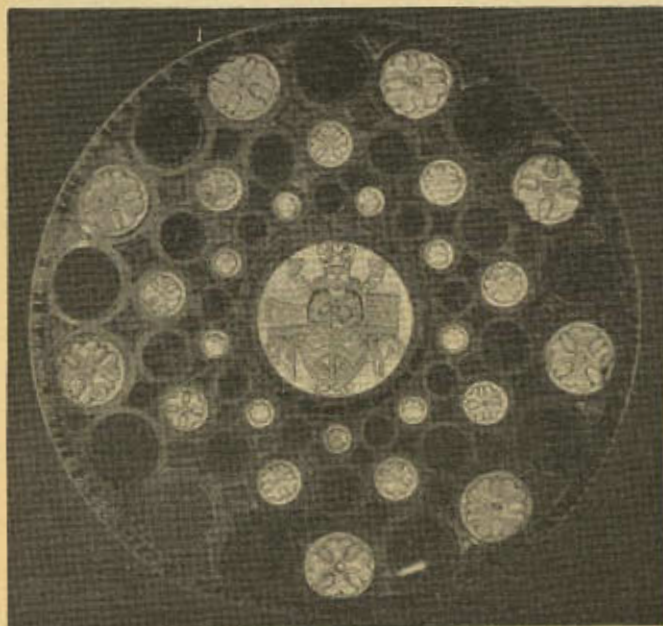
تعدادی از این تزیینات امروز در یکی از قسمتهای موزهی ایران باستان دیده می‌شود. و در کنار همان قفسه نقوش برجسته‌ای در روی سنگ دیده می‌شود که از نخست‌چشمید بدست آمده و نقش



شمعدان برنزی بصورت سگک. یکی دیگر از شاهکارهای هنر فلزکاری ایران است. این شمعدان امروز در یکی از مجموعه‌های شخصی نگاهداری میشود.



ظروف سیمین و زرین که در ناسخه دینش در مناطق کوهستانی گیلان بدست آمده و از عهد اشکانی میباشد. این اشیا امروز در یکی از مجموعه‌های شخصی محفوظ میباشد.



جام خسروپویز. جامی است از طلا که بر آن سنگهای قیمتی مانند فیروزه و یاقوت و زرد نگاشته شده است. این جام از زمانهای قدیم با رویا رفته و بعدها در کاسیای سندی در پارس بود و امروز بصورت یکی از شاهکارهای بزرگ هنر ایران در کتابخانه ملی پاریس حفظ میشود.

همان تزیینات در تخته آستین و دامن قباي شاهنشاهان و در پاریان مشاهده می‌گردد.

در مقامی بستان نیز نقوش برجستنی روی سنگ تثنان میدهد که امرا و بزرگان حتی در مواقع معمولی مانند شکار و مجالس بزم، لباسهای زری منقوش به نقوش زیبا بر تن داشتند. تعداد زیادی از جواهرات عهد تاریخی ایران در موزه‌های مختلف دنیا موجود است و مایه افتخار ماست. چه خوب بود در شهر تهران توزه‌های مخصوص جواهرات بچگونه می‌آمد و اگر برای ما امروز امکان ندارد تمام جواهرات قدیم ایران را در یک محل گره آوریم ولی لااقل در کنار نمونه اصلی می‌توانیم نمونه‌های قالب‌گیری شده از جواهرات اصلی تهیه نموده در معرض نمایش قرار دهیم.

در دورانیهای پیش از تاریخ جواهرات و تزیینات را با مردگان پنهان می‌سپردند تا در موقع احتیاج، مردگان بتوانند از آن استفاده کنند. البته این عقیده آنها بود و تصور میکردند انسان پس از مرگ مجدداً روی زمین بر میگردد و احتیاج به لوازم زندگی خود دارد.

باین دلیل است که بیشتر جواهرات متعلق به زمانهای پیش از تاریخ در قبرستانها بدست آمده. خنجر و جام طلای کالدرشت و گردن‌بندهای زیویه و مارايلک از همین قبیل می‌باشد. ولی مردم ایران در زمان هخامنشیان معتقد به خدای یگانه بودند و به رجعت مردگان روی زمین عقیده نداشتند. بنابراین جواهرات مردم در آن زمان از مقبره‌ها بدست نیامده بلکه بیشتر آنها در باقیامده‌های خانها و کاخ امرا و پادشاهان بوده است.

مقصود از جواهرسازی فقط ساختن سنجید و گوشواره و گردن‌بند نیست بلکه ظروف سیمین و زرین و تخت و تاج جواهرنشان و تزیینات لباس و مرکب و خیمه و پارگاه را نیز

باید جزو آن به حساب آورد.

جام معروف خسروپویز که در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است و در نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در معرض نمایش قرار داده شده بود شهرت جهانی دارد. در داخل این جام طلا، نقش خسروپویز در روی تخته شاهنشاهی دو حال نشسته نشان داده شده و اطراف این نقش به سنگهای قیمتی و رنگین مزین گردیده است. جام خسروپویز در همان زمانهای قدیم به عنوان یادگاری از ایران یا هدیه‌ای از طرف پادشاهان وارد کالیسی سندی در پارس شده و بعداً در قرن اخیر به کتابخانه ملی انتقال داده شد.

تمام جواهرات مکتوفه از زیویه در کرمان و اردموزه‌ی ایران باستان نگهداری می‌شوند. قسمتی از آن به خارج از ایران رفته و امروز در موزه‌های اروپا و آمریکا و در مجموعه‌های خصوصی محفوظ می‌باشد. این جواهرات متعلق به حدود سه قرن (در قرن ۱۱ تا ۱۶ پیش از میلاد مسیح) می‌باشد و احتمالاً صاحب آن در مقابل حمله دشمن از ترس جیاول و غارت آن را بر زیر خاک پنهان کرده بوده است.

در حدود ۵۰ سال پیش نظیر چنین دینه‌های در منطقه نامعلومی از استرآباد (گرگان کنونی) پیدا شد و از ایران خارج شد و با اینکه اثر آن منکسر داری شده ولی معلوم نیست اکنون در کدام منطقه دنیا می‌باشد. دینه‌ی دیگری در منطقه‌ای از آذربایجان نام حسنو پیدا شده که قسمتی از آن وارد موزه ایران باستان گردیده و جام طلای معروف حسنو جزو آن است. جواهرسازی در دورانهای اسلامی نیز در کشور ما رونق زیاد داشته و مراکز آن شهرهای اصفهان و شیراز و زنجان می‌باشد. تخت طاوس که به سنگهای قیمتی نشاندہ شده کاد اصفهان است. ما در این مقاله چند نمونه از جواهرات متعلق به دوره‌های پیش از اسلام ایران را ارائه میدهم.





# موسیقی انسان ایرانی در دوره اسلام

## تأثیر ایران در موسیقی عرب

۷

دکتر مهدی فروغ  
رئیس انجمن هنرهای دراماتیک

حواشی به موسیقی علاقتند میشود و نزد ابن محرز و ابن سیرین و دیگران تعلیم میگردد و در کار موسیقی مهارت تام مییابد. در نتیجه مورد عادت خلیفه واقع میشود. یونس الکاتب سالها مورد علاقه و احترام مأمور بود تا اینکه روزی اشعاری را که شاعری در دم یکی از زنان معروف عرب بنام «زینب» سروده بود بموسیقی درمیآورد و آنرا تحت عنوان «زباب» منتشر میسازد و از این تاریخ بعد مورد بی‌مهری عموم واقع میشود. میزان شرف و افتخار مردم به یونس بعدی میرسد که مجبور میشود از شهر بگریزد. ولی پس از اینکه ولید خلافت میرسد به دمشق باز میگردد و نزد خلیفه ارج و اهمیت زیاد مییابد و تا پایان عمر دراز ولعت بسر میرد.

قدرت و اهمیت کار یونس بیشتر بواسطه تسلطی بوده که به شعروادبیات داشت. هم شاعر خوبی بود و هم از مرمزان معروف زمان خود. دو کتاب درباره موسیقی نوشته که در الفهرست بدان اشاره شده ولی خود آن کتابها فعلاً در دست نیست. کتاب اول بنامه آنچه طائف کتاب اشانی میگوید «کتابالفقه» نام داشته و مجموعه‌ای بوده است از آوازه‌های معروف زمان و این نخستین کتابی بود که در آن مجموعه آوازه‌های متداول آن روز جمع آوری شده بوده است علاوه بر این راجع به آوازه‌ها و احوال مستفان آنها نیز اطلاعاتی بدست مییادند. کتاب دیگری که بوی قیمت داده شده «کتابالتیاج» نام داشته است. ابراهیم موسلی موسیقی‌دان مشهور ایرانی از شاگردان یونس الکاتب بوده است.

کسانی را که تا کنون نام بردیم موسیقیدانانی هستند که در زمان خلفای اموی میزیسته و بطور قطع یا ایرانی و یا ایرانی‌الصلب بوده‌اند و از عهد بنی‌اموی موسیقیدانهای عرب که نزد ایرانیان فن موسیقی را فراگرفته و در عالم اسلام آنرا رواج

ابن محرز نیز، گوگه در شهر مکه یا بصره می وجود گذاشته است ولی پدرش از امیران آزاد شده‌ی ایرانی و نام کاملش ابوالغضاب سلم (سلم) بن محرز بوده است. پدرش پس از قبول آیین اسلام بعنوان نگهبان خانه‌ی کعبه خدمت میکرده است. خود ابن محرز نیز از افراد آزاد شده بود و علم موسیقی و آواز را نزد ابن مسیح آموخته است. ولی میلش شدت به بیابری چندام موجب شد که دیگر نتواند در دیار خلیفه حتی در محافل عمومی بکار موسیقی اشتغال جوید و مانند مردم بی‌خانمان، همیشه از این شهر بان شهر سرگردان بود فقط سالی دو سه ماهی را در شهر مکه میگذرانید. ابن محرز خدمات زیادی بموسیقی کرده و استادش ابن مسیح نیز خدمات وی را بموسیقی ستوده است و عموم مورخان معاصرش نیز او را در «فنا» یکی از بزرگترین موسیقیدانهای زمان معرفی کرده‌اند. تصنیفاتش خواهان فراوان داشت. اینکار و زورچل و نحوای خواندن موسیقی را با او نسبت داده‌اند. آنچه میساخت ساده بود و زیبا، و بهین دلیل هر کسی بشرا گرفتن آن رغبت زیاد داشت. ابن محرز نیز یکی از چهار موسیقیدان بزرگه اسلامی شناخته شده است.

یکی دیگر از خوانندگان معروف اسلامی در این عهد ابن سیرین نام داشت. وی نیز آواز خود را پس از عهد الفارسی همراهی میکرده و در میانه‌های موسیقی که در مکه ترتیب میدادند برضی جایزه میشد است.

یکی دیگر از موسیقیدانهای مشهور ایرانی الاصل یونس معروف به کاتب بوده است که تاریخ تولدش معلوم نیست ولی تاریخ وفاتش را سال ۷۶۵ میلادی ذکر کرده‌اند. یونس دوران کودکی و جوانی را در مدینه میگذراند و پس از فراغ از تحصیل در تنگنا کلات بلدی آن شهر بشغل کاتب مشغول میشود و بهین دلیل او را یونس الکاتب میخوانند. در ابتدای

داده‌اند صرف نظر کرده‌ایم.

باطهور خلفای بنی‌عباسی که بهمت و پایداری ایرانیان صورت گرفت بدونان تازه‌ای داخل می‌شود که در آن ترفی و پیشرفت بیشتری در موسیقی حاصل میشود و لازم است مقدمه‌ شرحی در کمال اختصار درباره نوعی پیدایش نهضت عباسی بیان شود.

باطهور خلفای عباسی، عالم اسلامی وارد یک مرحله جدیدی از لحاظ هنر و فرهنگ و تحقیق و تتبع گردید. این نهضت بزرگ فرهنگی بیش از هر چیز در نتیجه نفوذ امیران و سرداران خراسان که در تقویت بیان خلافت عباسی مؤثر بودند بوقوع پیوست. زیرا با وجود اینکه مردم ایران تا بطهور عباسیان متجاوز از یکصد سال تحت استیلای حکومت عرب بودند ولی فکر و ذوق آزادی خود را همچنان محفوظ داشته بودند و همین طرز تفکر و تصور موجب پیدایش تحول و بطور بزرگی در مسیر تحقیقات فلسفی و علمی و هنری و نهضت اسلامی در دوران خلافت عباسی گردید. در دوره‌ی بنی‌امیه اساس حکومت برمدان امور نظامی و اداری گذاشته شده بود ولی در آغاز خلافت عباسیان دوره جنگ و تخریب ایرانی سیری شده و دوران قراغیال و آسایش و آرامش رسیده بود و امور و اداری بنظر مردم خوار و خفیف مینمود. ایرانیانی که تا این تاریخ عموماً بهیم بنده و زرخرد با ایشان رفتار میشد از این تاریخ شان و منزلت فراوان یافتند و در امور کشوری و لشکری دخالت جستند و در بسیاری از مواقع ایشان را بر اعراب هم ترجیح میدادند. باضعیف شدن نفوذ سیاسی اعراب در امر حکومت، در ادبیات و هنر عربی نیز فتور و وستی مخصوصی پدیدار گشت و بسیاری از شاعران ایرانی صاحب جاه و مقام گردیدند. سایر هنرهای زیبا نیز از این تحول متأثر گردید. لباس‌ها و تزئینات معمول ایران در دربار خلیفه و در بین اعراب راجع شده و فیلو سوزن و مستفان ایرانی بدربار خلیفه راه یافتند. بطور کلی میتوان گفت که با این تحول آزاد آریایی تسلط سوری و معنوی زیادی بر تاه عرب یافت.

ولی این تحول در موسیقی کمی دیرتر پدیدار شد و نفوذ ایرانیان در تطبیق موسیقی در دوره بعد نیز محسوس گردید. علت این تأخیر شاید این بوده‌است که موسیقی‌دانها یک طبقه بخصوص و متمایزی را از بقیه مردم تشکیل میدادند و چون از جریان امور کشور دور بودند تحولی که در بدهی ظهور نهضت عباسیان در امور سیاسی و اجتماعی پیش آمد در این طبقه تأثیر فوری نیافت. بدین جهت پس از این تغییر سیاسی وضع موسیقی تا مدتی همان صورت قدیم باقی ماند.

ایرانیان پس از حمله عرب حیواری درصدد بودند که کشور خود را از زیر تسلط اعراب بیرون آورند. در دوره خلفای اموی بسیاری از سرداران محلی ایران با ظهور و جرات

فراوان در مواقع مختلف شورش کردند و از حرفه‌ی برای نهضت کشور خویش استفاده نمودند.

باطهور نهضت عباسی در خراسان بهمت ابومسلم خراسانی، عموم ایرانیان که پیوسته در جستجوی فرصت بودند در تمام نقاط خراسان و ماوراء النهر دست بطورش زدند. بنی‌امیه به کسانیکه از قوم عرب نبودند عموماً اعانت و خواری بسیار روا میدادند و آنها را حوالی یعنی بندگان میخواندند و ایشان را در کارهای دولتی دخالت نمیدادند. در زمان خلافت عباسیان ایرانیان که دارای سوابق درخشان تاریخی بودند درصدد برآمدند که برتری خود را بر اعراب نشان دهند.

ابومسلم شهر کوفه را در سال ۱۳۲ فتح کرد و عبدالشامخ را بخلافت نشاندید و خود بسوی دمشق رهسپار شد و با پیروزی وارد آن شهر گردید. طولی نکشید که سراسر دولت اموی باستانلی اندلس به عباسیان تسلط گرفت.

عباسیان ابتدا مرکز خلافت خود را در شهر «انبار» واقع در کنار شط قرات قرار دادند ولی منصور دوانیقی خلیفه دوم عباسی دستور بنای بغداد را در شمال مداین پایتخت ساسانیان صادر کرد و بتوصیه او شهر مداین را ویران و از مصالح آن در بنای شهر بغداد استفاده کردند.

عباسیان تصمیم گرفتند مرکز خلافت را در شهر دمشق تعیین کنند زیرا از ایران و خراسان که مردمش تحت تاج سلطنت را برای ایشان تحویل کرده بودند دور میافتادند.

موسیقی اقتدر که نزد عامه اعراب منظور و معروف بود در ایران و خراسان منظور نبود و بهین جهت نخستین خلیفه عباسی خود را حامی موسیقی میدانست و برای ترویج هنر بطور اتم آداب و سنن دربار پادشاهان ساسانی را اقتباس میکرد و درصدد برآمد که به تمیث از پادشاهان ساسانی از موسیقی نیز حمایت کند. محسوسی غلبه میکند که موسیقی‌دانان از حضور خلیفه بدون کله و معماری فراوان خارج نمیشد.

در دوره خلافت منصور خلیفه دوم عباسی خاندان ایرانی معروف برمکی، در امر حکومت داخل شدند. خالد برمکی و پسرش یحیی بنوه‌های او جعفر و فضل. همه در ترویج موسیقی اقدامات مؤثر و مهمی کرده‌اند و بتدریج بغداد مرکز علم و ادبیات و فرهنگ هنر شد.

از خوانندگان این سلسله مقالات خواست میشود این اشتباه را که ضمن چاپ مقاله پیش آمده اصلاح کنند.

دوشماره سیزده صفحه ۸ ستون دوم این عبارت : « یعنی کوك عود از LA - Sol - Re - Do به Do - RE - Sol - la » یعنی تغییر داده شده باید با این صورت نوشته شد: یعنی کوك عود از LA - RE - Sol - do به Do - RE - Sol - la

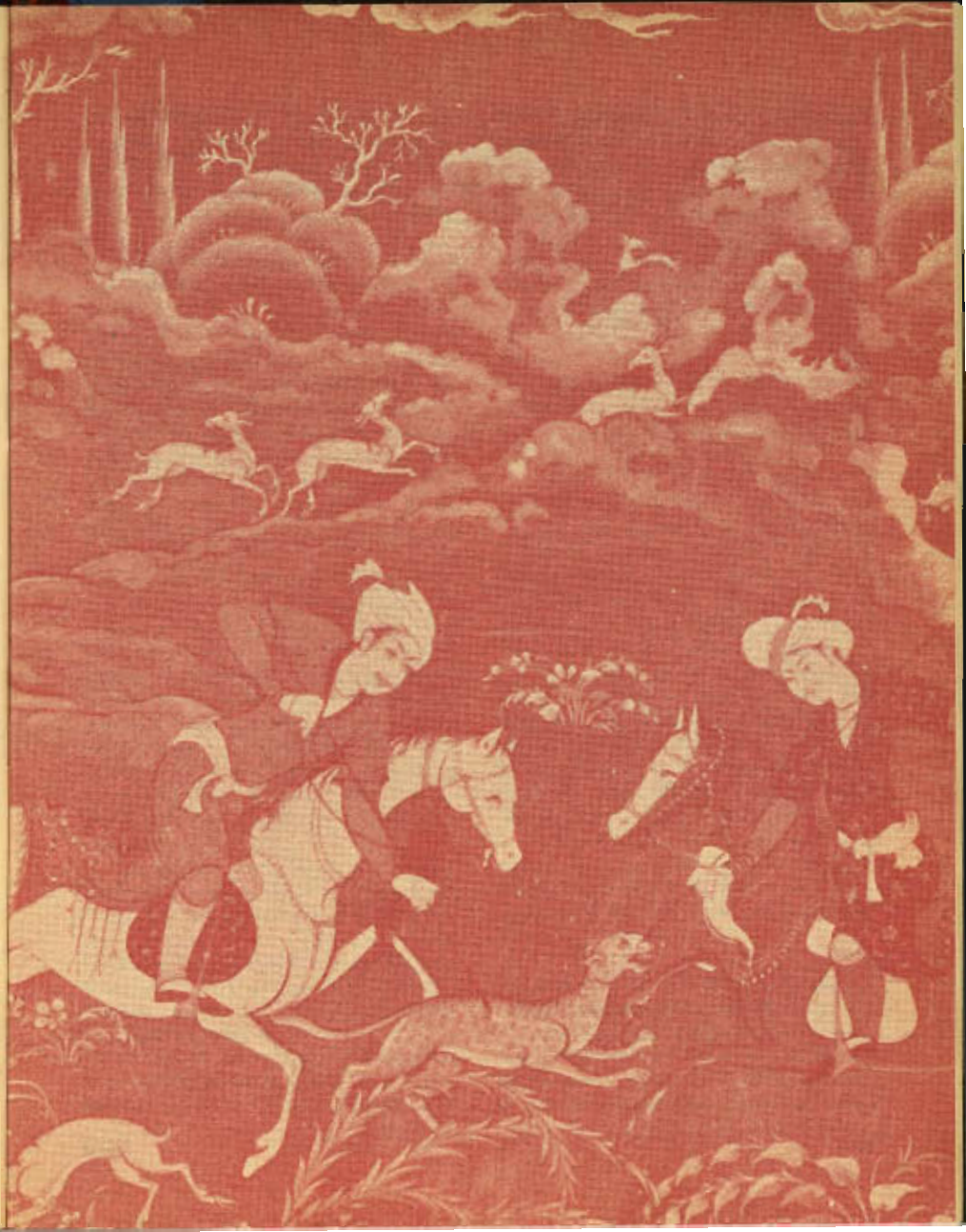


# حسینِ اسلامیان

فریدون تیفانی  
موزه‌دار موزه هنرهای ملی

با شاکردانته باشد. سرانجام این شوق و کشتش به مرحله‌ای رسید که استاد امامی او را در کارگاه خود پذیرفت. او در این زمان ۱۱ سال بیشتر نداشت. میرزا آقا امامی که در واقع استاد اولیه او محسوب می‌شود، در جوامع هنری شهرهای سزادار، دولنگه در میناتوری، اثر ارزنده آن استاد بزرگ است که در موزه هنرهای ملی بیادگار باقی مانده است.

حسین آقا مدت ۱۸ سال تحت تعلیم استاد امامی بود و در این مدت فقط تحت راهنمایی‌ها و تمایلات استادش بکار نقاشی می‌پرداخت و وظایفی را که استاد باو محول میکرد در نهایت خلوص و بی‌توجهی اجرا و بان اکتفا می‌نمود چون باو سخت ارادت می‌ورزید. کارگاهی که سرپرستی استاد امامی دایر شده بود مشتمل بر فاشه کش قالی - قالی بافی - سوخت سازی در تابلوهای چرمی (عبادت از ازا کترین قستهایی از چرم که با طرحهای دقیق و ظریف اسلیمی یا گل و پرتو برپایه شده باشد) بوده است. حسین آقا در کارگاه امامی بر اثر کاردانی فریدون مربوط به نقاشی آن چنان خیره‌گر دید که استاد در ۱۰ سال آخر عمرش بعضی از کارهای حسین را بنام خود امضاء می‌نمود. حسین آقا در این ایسام بود که زمینه یک کارگاه مستقلی را در ذهن می‌پروراند و سرانجام زمانی که ۳۰ سال از سنش می‌گذشت به ایندانش رسید و کارگاه کوچکی دایر کرد و برای اولین بار آزادانه بکار هنری پرداخت ولی در این مدت با اینکه متاعل هم شده بود مناظر دور دست طبیعت و اشتیاق به طبیعت نگاری





جلد آتوم - صحنه شکارگاه بشیوه سفویه با حاشیه ، که با صورت‌های انسانی تزیین یافته است



روی دیگر جلد آتوم ، صحنه شکارگاه ، بهمان شیوه نقاشی شده است

جلد آتوم - صحنه چوگان بازی ، با حاشیه بشیوه عهد صفویه



بر انجام سازمان هنرپرور هنرهای زیبا او را بسوی خود جلب کرد و حسین اسلامیان در سال ۱۳۳۴ رسماً در این اداره مشغول بکار شد .

تخصص او نقاشی دروسومات مخصوصی است که شعباً آنرا آماده می‌نماید .

کارهای اسلامیان روی صفحات مینا بسیار جالب است و از دوره اشتغال بکار هنرهای زیبا تا حال متجاوز از ۶۰ قطعه مینا توسط او طراحی و نقاشی شده است که چند نمونه آن فعلاً درموزه هنرهای ملی در معرض نمایش عمومی نهاده شده و تعدادی نیز درمواقع خاص به بعضی از هنرمندان خارجی و شخصیت‌های معروف اهداء گردیده است .

حسین اسلامیان با ارسال یکی از آثار خود (آتوم مینیاتوری) به نمایشگاه بین‌المللی سال ۱۹۵۸ بروکسل باخذ مدال طلا و دیپلم (Grand prix) نایل آمده است .

باید گفت که شیوه قلم اسلامیان گرچه شبیه پست‌جندهای دوره سفویه میباشد مع الوصف کنج‌کاری درآثارش نکات نازمائی را با منقشاتند ، مثلاً در طبیعت‌نگاری و اجسم

درروحش تأثیری عمیق برجای نهاد تا جایکه کارگاه خودش را برای همیشه تعطیل کرد و بخارج از شهر پناه برد و بکار زراعت مشغول شد . درحقیقت این اشتیاق او را به طبیعت نزدیکتر ساخت ، او بدان‌سبب محیط دشت و سبزه را انتخاب کرده بود که با خیالی فارغ بتواند دور از هرگونه تکلف و قید با روحی آراه زندگی آرام ادامه دهد ، بالاخره آن آرامش و منفای را که درعالم رویا آرزویش را نمیکشید بدست آورد و درواقع خودش را داخل مناظری می‌یافت که بارها با قلم سحر آمیزش نقش کرده بود . همین صفا و آرامش طبیعت بود که توانست او را مدت ۶ سال بخود مشغول سازد ، مع الوصف طبع نوظلم او یعنی آن جدالی را که باک هنرمند همیشه در وجود خودش احساس و درک میکند بر او فایق آمد و او را از ادامه آن راهی که انتخاب کرده بود منصرف ساخت و باعث گردید که یار دیگر با قلم و بوم نابو آتش کند .

در سال ۱۳۳۶ بود که اصفهان را با تمام زیباییها و خاطراتش پشت سر گذاشت و تهران مهاجرت کرد . اسلامیان تا امروز مدت ۱۶ سال است که در تهران اقامت دارد .



روی دیگر جلد آلبوم - صحنه شکارگاه - سیاه نهید صنوبر



جلد آلبوم - صحنه شکارگاه که با زمینه سبز نقاشی شده ، تذهیب اطراف آن با نقش‌های اسلیمی است

روی دیگر جلد آلبوم ، که تذهیب آن با نقش‌های اسلیمی و گل و پرک ترین سافه است



صحنه‌های پیوگان‌بازی یا شکارگاه تا اندازه‌ای قوانین پرسبکیو (دورنما سازی) را مراعات نموده و همچنین او در ترکیب رنگ آمیزی از یک شیوه خاصی پیروی میکند که بنظر برجسته می‌نماید . نکته جالب اینجاست که اسلامیان موضوع و تذهیب را شخصاً با ابتکار جالبی طرح‌ریزی و نقاشی میکنند .

زمینه‌هایی که او برای صحنه تابلوهای خود انتخاب می‌نماید اغلب بدیع و تازه است و در آثار موجود از زمینه‌های طلایی - قرمز و مشکی استفاده نموده است .

و اینک نمونه‌هایی چند از آثار هنرمندی که در دوره هنرهای ملی در معرض تماشای عموم نهاده شده است :

جلد آلبومی که اخیراً توسط هنرمند با تمام رسیده در نوع خود ممتاز و عالی است . رنگ‌هایی که در این صحنه بکار رفته بسیار است ولی ما در بین آنها رنگهای قرمز - سبز - مشکی - طلایی - گلی - سبزه‌وشن - لاجوردی را بیش از همه تشخیص میدهیم . صحنه جلد از نظر نقش تذهیب به سه قسمت متناظر تقسیم میشود : اول حاشیه‌ای است با زمینه طلایی نارنجی ترنجهای بسیار زیبا و یک حاشیه بسیار کم هم بعد از آن دیده میشود با زمینه سبز که با نقش‌های ابتکاری هنرمندترین

گفته است .

در قسمت مرکزی تذهیب زمینه نقش طلایی رنگ است و گره‌نهای خطوط زیبای اسلیمی با زمینه سفید دیده میشود که با صورت‌های انسانی ترین و تکمیل‌گشته است . در اطراف این خطوط نمودار حیوانات و پرندگان بر زمینین وجهی نمایانده شده‌اند و در ضمن گل‌های معروف پناه‌عباسی در داخل این خطوط نقش زیبایی را مجسم نموده است .

قسمت وسط صفحه پیشی شکل است با زمینه سبز که صحنه شکارگاه را مجسم نموده و تمام صورت‌ها و اندام و لباسها بشیوه عهد صفوی نقاش شده است .

جلد دیگر آلبوم در صحنه مقابل نمایانده شده‌است و تنها فرقی که با جلد اول دارد اینست که در قسمت مرکزی روی زمینه لاجوردی گره‌نهای خطوط اسلیمی طلایی رنگ میباشد و نقطه مرکزی بشکل (+) با زمینه سفید رنگ چنانچه هر طرفش را یک دیگریم گنبدی شکل است .

برای نقاشی آلبوم نامبرده ۲ سال و نیم وقت صرف شده است و گفته هنرمند این اثر سرآمد آثار دیگرش میباشد .

# آئینه و سرگذشت آن

محمدحسن سمار  
موزه دار موزه هنرهای تریبلی

تا چه شکلی ز دور آئینه ها ز نظر مردم دید  
تا چه آئینه زشت ، از نظر بدشمنی

ویاز شیخ میفرماید :  
«عجب در آن نه که آفاق در تو حیراند  
تو هم در آئینه حیران حسن خویشتی»  
آئینه اغلب در شعر شما نماینده راستگویی است و آنچه  
در برابر او قرار میگیرد همانرا نشان میدهد نه زشت تر و نه  
زیباتر .  
شیخ اجل میفرماید :  
«تا چه شکلی تو در آئینه همان خواهی دید  
شاهد آئینه ی زشت ، از نظر هوش کمی»  
اسدی طوسی دوست خوب را با آئینه شبیه میکند و میگوید:  
«بود آئینه دوست را مرد دوست  
نماید بدو هر چه زشت و نکوست»  
ناصر خسرو گوید :  
«آئینه ام من اگر تو زشتی زشتی  
ورنگویی نکوست سیرت و نامم»  
ظهیر قزایی آئینه را مظهر حقا میداند و میفرماید :  
«از سقا آئینه منظور نظرها میشود»  
و بالاخره خواجه شیرازی از «آئینه اوهام» سخن میگوید  
و شکرهای هر کسی را انعکاسی از شخصیت خود او میداند  
و میفرماید :  
«حسن روی تو بیک جلوه که در آئینه کرد  
این همه نقش در آئینه اوهام افتاد»  
چنانکه گفتیم آئینه ای که همیشه مظهر پاکی و سفاقت  
چون زنگار گشت نشانه تیرگی میگردد و آنگاه بدلهای خالی

بدبهاں مقاله گذشته در مورد معرفی موزه هنرهای تریبلی  
و اشیا گردآوری شده مرآن ، مراین مقاله بحث درباره سوابق  
تاریخی آئینه و تزیینات مربوط بان و معرفی آئینه های موجود  
در موزه هنرهای تریبلی میپردازیم .  
این جنم شگفتی و مرعشانای که امروز جزه لوازم ضروری  
زندگی است ، و همه ما روزانه چندبار با آن روبرو میشویم ،  
مداری مقامی والا و سرگذشتی جالب است .  
این سرگذشت در زندگی ایرانیان که همیشه با شعر و ادب  
سروکار داشته اند ، با شیرینی شعرو ادب در آمیخته و شیرین تر  
و دلگشای تر گردیده ، شاید در هیچ زبان و در میان هیچ ملی آئینه  
چنین مقام و منزلتی که در زبان و ادب فارسی دارد نداشته است .  
در ادبیات کهنسال ما واژه آئینه بسیار بکار برده شده ،  
همچا آئینه نماینده صفا ، پاکی ، بر دلیلی ، راستی و راستگویی  
است ، دلهای پاک و ضمیرهای روشن با آئینه شبیه شده اند .  
چمکی هرگاه خواسته اند از دلهای پر کینه و مغمزهای  
وادست و کج فکر سخن بمان آوردن آنها را با آئینه زنگ خورد  
تشبیه کرده اند ، بد نیست بر آنچه گفته شد شواهدی بیاوریم .  
سعدی شیرین سخن ، سخت داننگ از کم ارجی خود فرد  
یار مینالد و میگوید :  
«بخت آئینه ندارم که در او میتگری  
خاک بازار بیرزم که بر او میگندری»  
شاید این اندوه از آنجا سرچشمه میگردد که دلبران  
همیشه با آئینه قرینند و سعدی آرزو دارد که «بخت آئینه»  
داشته باشد .

از مهر و سقا تشبیه میشود. چه همانگونه که آئینه زنگ خورده نمیتواند جلوه گاه جمال باشد، دل عالی از سقا نیز نمیتواند آئینه حقیقت و تجلی گاه نور خدا را برآورد.

سعدی چه خوش میگوید:  
« دل آینه صورت نیست ولیکن  
شرطت که بر آینه زنگار نباشد »

و بدین میگوید:  
« صفای بدست آور ای خیره روی  
کس تشبیه آئینه تیره روی »

آئینهداری نیز در ادبیات ما مقام بلند دارد و حافظ گاهی « آفتاب » و زمانی « دیده » را آئینهدار جمال یار میدانند.  
« دل سرایرده محبت اوست  
دیده آئینهدار طاعت اوست »

« ای آفتاب آئیندار جمال تو  
مشک سیاه مجرم گردان خالتو »

پس از این گفتگو درباره آنچه بعضی از شعرای شیرین سخن ما در وصف آئینه گفته اند باطل موضوع بر میگردیم. بی گمان از آن روزگار که بشر با معرجه وجود گذاشت احتیاج بآئینه را حس کرد. این احتیاج روز بروز فزونی گرفت و برای رفع این نیاز بشر اولیه از آئینه های که طبیعت در اختیار او گذاشته بود یعنی آب استفاده کرد. باید دانست که همین آب بشر را بشناختن آئینه رهسور شد و بداشتن آن حریص ساخت.

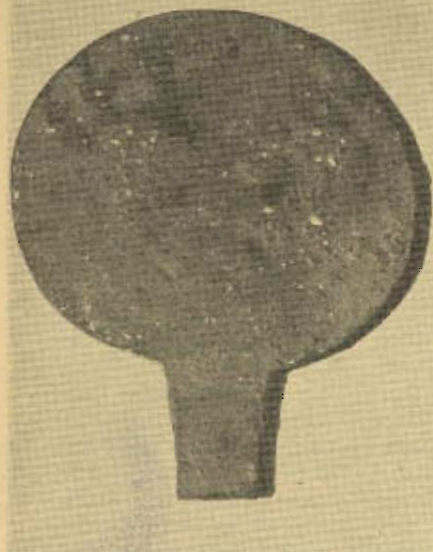
اگر بنظر بیاوریم که انسانهای اولیه برای نشیمن آب ناچار بودند بداخل نهر یا حوضچه های طبیعی خم شوند، درمی یابیم که از کجا بشر خاصیت انعکاس تصویر بر برد و بداشتن وسیله ای که بتواند صورت خود را برآورد در آن بیند علاقمند شد.

این آرزوی بشر زمانیکه فلزات کشف شدند جامه عمل پوشید. کشف فلزات بخصوص مس سبب شد که اولین آئینه همراهِ پادشاهان و اشراف قاری بدست بشر ساخته شود.

بنابر این باید گفت که بشر عصر مس مخترع آئینه بوده است. بنابراین قدیمترین آئینه از جنس مس است (بزرگ کاشان) بدست آمده. این آئینه ها عبارتند از صفحات مدوری از مس که اطراف آن اندکی برآمده ساخته شده و فاقد دسته اند. باین ترتیب از حدود هزاره چهارم قبل از میلاد ساختن آئینه در ایران آغاز گردیده است.

این صفحات مس بنحوی صیقلی میشدند که قابلیت انعکاس بر میآوردند. پس از آنکه مس جای خود را بر فرغ داد، آئینه ها نیز از جنس مس فرغ ساخته شدند.

از جنس مس به حصار دامغان، شوش، خور و فارس، املش و سایر نقاط ایران آئینه های برنزی بدست آمده است که



تصویر ۱ - آئینه برنزی ساسانی. املش. هزاره اول ق. م.

است. این آئینه متعلق به هزاره اول ق. م. میباشد. در ادوار تاریخی ایران نیز، ساختن آئینه بنحوی بهتر و شفافتر ادامه یافت.

متأسفانه از دوره امپراطوری با عظمت هخامنشی آئینه های تاکنون بدست نیامده است. اما لازم است در اینجا که سخن از آئینه و سابق آن است از کاخ تچرای (کاخ زمستانی) داریوش بزرگ نام ببریم. این بنا که از کاخهای زیبای تخت جمشید است و قسمتی از آن مانند درگاهها، طاقچه ها و قسمتی از دیوارها تقریباً سالم مانده. از سنگهای سیاه کاملاً صیقلی ساخته شده

تصویر ۲ - آئینه برنزی پادشاه. املش. هزاره اول ق. م.



هرورمزد

است. شفافیت سنگهای این کاخ بویژه قسمت داخلی پنجره های نالار مرکزی بسیار است که تصویر چهره بخوبی در آن منعکس میشود. همین سبب این نالار را « نالار آئینه » نامیدند. نالار مرکزی کاخ تچرا را باید اولین نالار آئینه ساخته شده در جهان دانست.

از دوره سلوکی آئینه مفرغی مدوری در کرمانشاه بدست آمده. نقش بدست این آئینه عبارتست تعدادی دایره های داخل هم که با خطوط موازی ترین یافته است (تصویر شماره ۳). در میان اشیاء مکتشفه متعلق به دوره ساسانی نیز آئینه

تصویر ۳ - آئینه برنزی دوره سلوکی. کرمانشاه



کوچک مدوری وجود دارند که در املش کشف شده. جالب توجه این که این آئینه هنوز جلا و درخشندگی خود را حفظ کرده است. نقش بدست این آئینه شامل چهار برگ متقابل است که بوسیله دایره های متحدالمرکز احاطه شده است (تصویر شماره ۴).

بزرگ جالوس نیز قاب آئینه شرفه مدور نسبتاً بزرگی متعلق به دوره ساسانی بدست آمده که نقش آن عبارت است از ۶ دایره در اطراف قاب که گلهای مختلفی را در میان دارند و یک دایره در وسط آنها که شامل نقش مرغی است (تصویر شماره ۵). در این دوره معمولاً برای اینکه آئینه بهتر جلا پذیرد

وسعتی گزیده مقدار زیادی تفره درآلیاز آن مصرف میشد.  
گاهی آینه نیز بطورعالمی از تفره تهیه میکردند.

آینههای ساخته شده در دوره اسلامی بیشتر آینههای  
برنستند. البته آینههای دستدار نیز ساخته میشد که تعداد  
آنها کمتر است. این آینهها صفحاتی مدورند که یکطرف آن  
دارای نقوش برجسته شامل تصاویر حیوانات، گل و گیاهان  
مختلف، خطوط تزئینی و طرف دیگر بخوبی صیقلی گردیده است.  
معمولاً در پشت این آینهها قسمت برجسته سوراخ‌داری  
است که از آن نغ میگذرانند و باین ترتیب آینه قابل آویزان  
کردن میشد.

آینههای دستدار اغلب دارای دستهای سوهانکاری  
شده و یا قلزده و برجسته‌اند.

علاوه بر آینههای برزی و مسین از آهن نیز آینه  
ساخته میشد.

این آبیات از فردوسی و سعدی گویندگان بزرگ پارسی  
گواه این مدعاست:

« فرستاد از آن آهن تیره رنگ

یکی آینه کرده روشن زرنگ »

فردوسی

« بسی ای آینه بدل مدعی باری بکش گاهن

بسی آینه گیتی‌نا و جام جم گسرده »

سعدی

در ادبیات فارسی از آینه چینی که گویا از چین به ایران  
میاوردند و از فولاد چوهر دار ساخته میشده و همچنین از آینه  
رومی نامبرده شده است.

آینههای فلزی نامدتی جلای خود را حفظ میکرد. البته  
برای حفظ جلای آن ناچار بودند که گاهی آنرا سیقل دهند.  
بنابر آنچه در ادبیات ما ذکر شده جلا دهند آهن خاکستر  
بوده است.

این مسرع شاهد بر این موضوع است:

« هر کجا آینه بینی سیقلش خاکستر است »

اما هنگامیکه آینه در اثر تأثیر رطوبت اکسیده میشد  
زودین رنگ آن امکان پذیر نبود و آینه بدون مصرف میماند.  
سعدی در این مورد میگوید:

« ای که در وقت به گنه تیره شد

ترست آینه بگیرد مظلالم »

« بپای بیفتان ز آینه گسره

که منتقل نگردد چو زنگار خورد »

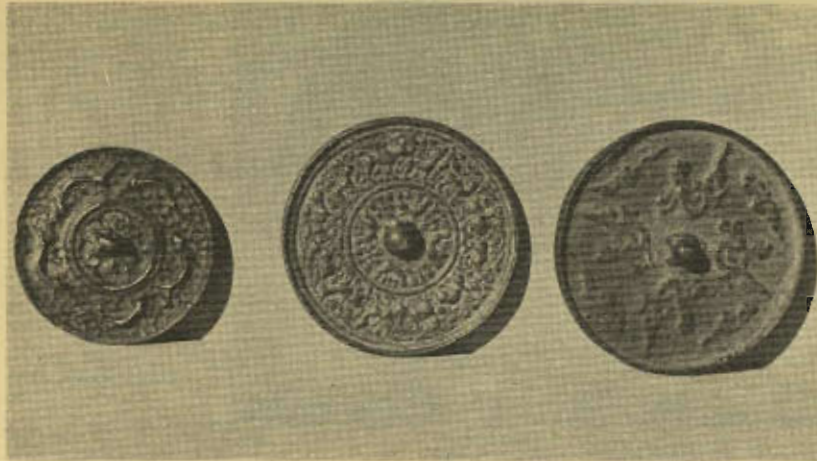
علاوه بر استفاده آرایشی از بعضی آینهها، استفاده  
جادوگری، طلسم و یا معالجه امراض نیز میشد.

بر روی سطح این قبیل آینهها ادعیه مختلف کهنه‌کاری  
میکردند. این عمل ناتمام در ایران بلکه در مالک اروپا نیز



تصویر ۴ - آینه برزی ساسانی . امش

تصویر ۵ - قاب آینه تفره ساسانی با نقوش برجسته . چالوس



تصویر ۶ - آینههای برزی با نقوش مختلف - موزه هنرهای تزئینی - سده هشتم هجری

تصویر ۷ - آینه برزی با ادعیه - موزه هنرهای تزئینی - سده هشتم هجری

معمول بوده است.

در موزه هنرهای تزئینی تعدادی آینههای فلزی گردآوری  
شده است که اکنون بمعرفی آنها میپردازیم:

تصویر شماره ۶ سه آینه برزی را نشان میدهد که  
بترتیب دارای نقوش بدین شرح است:

آینه وسط دارای دورنقش تصویر از حیوانات مختلف  
از قبیل اسب، گاو، سگ شکاری، خرگوش و پرندگان است.  
نقوش دو آینه دیگر عبارت است از یک ردیف ماهی  
پشت سرهم و فرشتههایی در حال پرواز در آسمان.

تصویر شماره ۷ آینهای را نشان میدهد که روی آن  
ادعیه مختلف کهنه شده و آنرا باید از دسته آینههایی که مصرف  
طلسم یا معالجه داشته است و قبلاً راجع بآن بحث شده  
بحساب آوریم.

آینههای بالا متعلق بقرن هشتم هجری قمری است.  
تصویر شماره ۸ آینه دیگری است که پشت آن تصویر  
دو حیوان خیالی با سر انسان نقش گردیده و در اطراف آن  
دعایی بضمکوفی تزئینی حک گردیده. این آینه نیز در قرن  
۶ هجری قمری ساخته شده است.

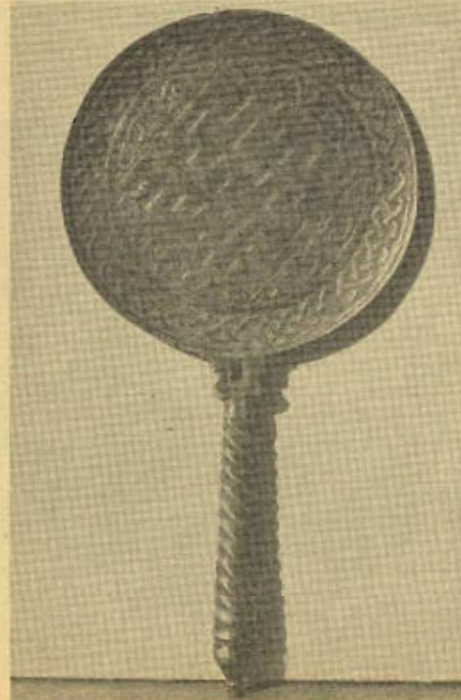
در دوره صفوی ساختن آینههای فلزی ادامه یافت.  
آینههای این عصر نیز مانند سایر لوازم فلزی عصر صفوی  
زیبا و پرشکوهر و رنگارنگ است.





تصویر ۸ - آینه برزی با نشی حیوانات خیالی - سده هفتم هجری

تصویر ۹ - پشت آینه مستدار سفوی - سده یازدهم هجری



تصویر ۱۰ - آینه مستدار سفوی - سده یازدهم هجری

هنوز رواج کامل داشت و تعداد کمی آینه‌های بلور مورد استفاده مردم بود.

نرمیان تصف و هدایایی که از مالک خارج بدربار ایران میرسید ، تعداد زیادی آینه‌های بزرگ سنگی نیز موجود بود و بعد از دوره سفوی نیز ارسال این آینه‌ها بعنوان هدیه از طرف پادشاهان اروپا بدربار ایران ادامه داشت .

در اروپا از اواخر قرن چهاردهم میلادی ساختن آینه‌های فلزی بخصوص در آلمان رواج یافته بود . باید یاد آور شد که قبل از قرون وسطی در روم آینه‌های فلزی وجود داشت اما با عهد ملل وحشی و سقوط امپراطوری روم که سبب پدید

آمدن قرون وسطی شد ، آینه نیز منسوخ و فراموش گردید . در قرون وسطی ملکی جاهله آینه را نمیشناختند . اما چنانکه گفته شد در اواخر قرن ۱۴ در آلمان آینه سازی دوباره رایج گردید و در نورنبرگ مساف آینه سازان برای اولین بار پدید آمدند .

بعد در قرن ۱۷ میلادی اولین آینه‌های بلورین در ونیز ساخته شد و تجارت آینه‌های بلوری بدست ونیزی‌ها افتاد و در اروپا آینه بلور جای آینه‌های فلز را گرفت . در ابتدا پشت آینه را جیوه و نقره می‌گرفتند . مدتی نیز روی شیشه قلع و روی آن را جیوه می‌ریختند . چون مخلوط این دو بخوبی روی شیشه لایت مینماید . اما اینکار بازخمت زیاد و صرف وقت فراوان توأم بود . گاهی نیز پشت شیشه را تنها نقره می‌گرفتند و برای حفظ نقره روی آن را رنگ می‌زدند .

بهترین آینه‌ها را چنانکه گفته شد در ونیز می‌ساختند ، طرز تهیه آن در ابتدا ی کار سری بود و اگر کارگری این راز را فاش میکرد اعدام میشد .

برای جلوگیری از افشای راز آینه سازی ونیزی‌ها سه هزار کارگر را در جزیره «مورانو» ساکن کرده بودند و کسی حق ورود یا خروج از این جزیره را نداشت . بکارگران مزد کافی داده میشد تا از افشای راز آینه سازی خودداری کنند .

اما بالاخره کلبر (۱۶۱۹ - ۱۶۸۳) وزیر مشهور لویی چهاردهم با حیل و تدبیر از این کارگران را با خانواده آنها بیارید و توانست از راز آینه سازی آگاه شود .

از همان زمان یعنی اواخر قرن ۱۷ بود که آینه‌های بلوری با بران آورده شد . بتدریج با توسعه تجارت ایران و اروپا ، پیشرفت فن آینه سازی و ارزان شدن آن بسبب فراوانی آینه‌های فلزی از استفاده افتاد و بکلی فراموش گردید . آینه‌های بلور اولیه گران قیمت و اغلب قطور بود «آینه سنگ» متهور بود . آینه نیز مانند همه اشیا دیگر چنانکه خدات ایران است از تزیینات بهره نماند . راه‌های مختلفی برای تزیین آینه وساختن قاب‌های متناسبی برای آنها ایجاد گردید . . . همین قاب‌ها رشته‌ای از جنس تزیینی ایران را تشکیل میدهند و ما در اینجا از انواع قاب آینه‌ها بحث خواهیم کرد .

قاب آینه‌ها دارای انواع مختلفی هستند . دسته اول را باید قاب آینه‌های رنگ روغنی دانست . این قاب‌ها اغلب شامل دو قسمتند : قسمت اول قاب خود آینه و قسمت دوم دری که روی آینه و قاب را می‌پوشاند . این درها بیشتر با لولاهای ظریف بقاب متصل شده‌اند و گاهی نیز بدون لولا و از آن جدا هستند . تمام سطوح خارجی و داخلی این قاب‌ها نقاشی و حواشی آن تذهیب شده نقوش این قاب‌ها شامل گل و بوته ، تصاویر

(۱) جزیره کوچکی است درخلیج ونیز





تصویر ۱۱ - قاب آینه رنگ وروغنی عالی - موزه هنرهای تریبلی -  
سده ۱۴ هجری

برندگان و نقوش انسانی است و روی آنها را ورقه شخصی از روغن میبوشاند تا نقاشی از هر گونه مندمه و زین در برابر آب و هوا و غیره محفوظ بماند.  
در موزه هنرهای تریبلی تعداد زیادی از این قاب‌ها موجود است که در میان آنها نمونه‌های بسیار عالی ویرکار وجود دارد. چون معرفی یک قاب‌ها مقدور نیست، برای نمونه دو قطعه از آنها را بنظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم.  
تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲ قابی است بابعاد ۱۳×۲۰ که پشت و روی آن در نهایت زیبایی نقاشی شده. نقوش آن عبارت

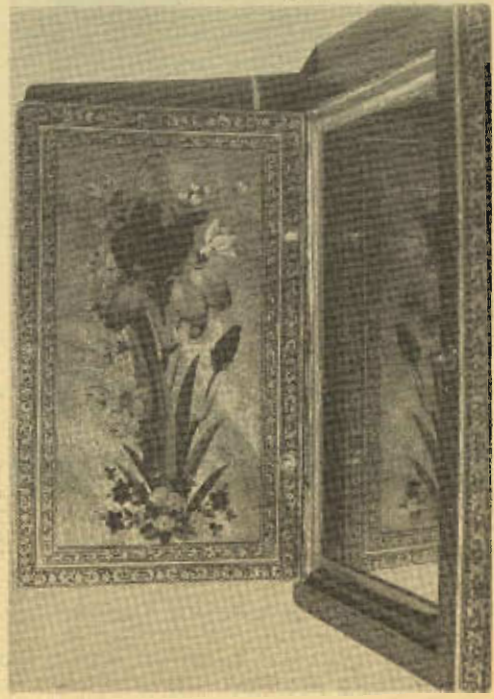


تصویر ۱۳ - قاب آینه رنگ وروغنی عالی - موزه هنرهای تریبلی -  
سده ۱۴ هجری

است از گل‌های سرخ، زلیق، میخک، سنبل و تصویر پروانه و بلبل، کلیه حیوانی طرفین و لم‌های قاب آینه با تذهیب ریز پرکار بسیار زیبایی زینت یافته است. پشت دو قاب آینه یک بوته گل زلیق بر زمینه طلایی نقش گردیده و حیوانی آن با تذهیب پر شده است. (تصویر شماره ۱۳)  
این قاب آینه احتمالاً کار شرافت امامی نقاش معروف نیمه اول قرن ۱۴ هجری است.  
تصویر شماره ۱۴ و ۱۵ قاب دیگری است با اندازه ۱۴×۲۳ کار هنرمند توانای قرن ۱۳ (آقا صادق)، پشت و روی این قاب آینه شامل دو صحنه نقاشی بسیار زیبات که تولد حضرت مسیح را نشان میدهد. روی قاب آینه ۸ سورت و پشت آن ۹ سورت نقاشی شده است. چهره‌ها در کمال زیبایی نقش گردیده که شیوه کار این نقاش زبردست میباشد.  
تصویر شماره ۱۶ قسمت داخلی قاب آینه و شامل یک

مجلس درس است. قاب آینه‌های رنگ وروغنی با اشکال مختلف و ابعاد متفاوت از قبیل مربع، مستطیل، چند ضلعی و کوچک و بزرگ ساخته میشوند.  
نوع دیگری از قاب آینه‌ها، قاب‌های خانم است. قاب‌های خانم در سه نوع مختلف ساخته شده‌اند.  
اول قاب‌های کتویی، این قاب‌ها نیز شامل دو قطعه میباشد: قطعه اول آینه و قاب آن و قطعه دوم دربی است که به‌طور کتویی روی آن را میبوشاند.  
تصویر شماره ۱۷ یک قاب آینه کتویی خانم را نشان

تصویر ۱۴ - قسمت داخلی قاب آینه رنگ وروغنی - موزه هنرهای تریبلی - سده ۱۴ هجری



میده‌گ که در داخل تراج و وسط آن شعری درمورد آینه با استخوان پزیده و کار گذاشته شده است. این یک بیت چنین است: «تجلی کوه را بگذاخت ای آینه حیرانم که باین نازکی چون ملافت دیدار آوردی»  
گاهی قاب آینه‌های خانم بهمان صورت قاب‌های رنگ وروغنی اولادار ساخته شده و معنی از آنها تنها شامل یک قاب ساده‌اند که آینه در وسط آن قرار گرفته و اطراف و پشت آن خانم کاری گردیده است. قاب آینه‌های خانم نیز با ابعاد و اشکال مختلف ساخته شده است. بعضی از آنها درجهبند نقل لباس باسانی جا میگیرند و بقاب آینه‌های «بلی» مشهورند.  
سسته سوم از قاب آینه‌ها، قاب‌های مثبت میباشد. این قبیل قاب آینه‌ها از جویبای مثبت کاری شده درست شده‌اند. گاهی مهارت در کندن خوش‌ویبر جسته ساختن آنها و مشابک کاری

تصویر ۱۴ - قاب آینه رنگ وروغنی کار آقا صادق - موزه هنرهای تریبلی - سده ۱۳ هجری



روی این قاب آینه‌ها جیرتالکتر است .

گل و مرغ ، برگه و بوته ، نقوش انسانها و حیوانات مختلف یا گاهی داستانهای تاریخی موضوع نقوش این قاب آینه‌ها را تشکیل میدهد . این قاب آینه‌ها نیز گاهی کنوپی و زمانی دردار ساخته شده‌اند .

تصویر شماره ۱۸ قاب آینه منشی است با نقش حضرت سلیمان ، در حالیکه تخت او برپوش دودیو قرار دارد و درپای

بدر جمعه خاصیت تحرك بخشدند . نقش این قاب شامل گل سرخ ، بلبل و پروانه است . علاوه بر این قابها ، قابهای فلزی نیز برای آینه ساخته شده است .

تصویر شماره ۲۰ آینه ایست که مخصوص سفره هفتسین ساخته شده . همین سبب روی آن یک ماهی نقاشی شده است . این آینه دارای قابی است از نقره فلز زده که روی آن قطعاتی از طلا کار گذاشته شده . بالای قاب در تریبی از طلا بر زمینهای



تصویر ۱۸ - قاب آینه رنگ و روغنی کار آقا صادق - بوزة هرهای تریبی - سده ۱۲ هجری



تصویر ۱۹ - قسمت داخلی در قاب آینه کار آقا صادق - بوزة هرهای تریبی - سده ۱۳ هجری

تخت او مجنون با درندگان هم نشین شده است . یک حاشیه مشبك نقش قاب را کامل تر میکند .

تصویر شماره ۱۹ قاب آینه دیگری نشان میدهد که شکل بیضی ساخته شده و در انتهای بناه سر آن با کار گذاشتن یک پولک

تصویر شماره ۲۱ پشت قاب آینه مسی کهنه کاری شده‌ای را نشان میدهد که شامل گل و بوته و پرندگان است . این قاب آینه بادقت و ظرافت بسیار زیادی کهنه کاری شده .

تصویر شماره ۲۲ پشت قاب آینه برجسته کاری و فلز زده دیگری را نشان میدهد که در شیراز ساخته شده ، قسمت وسط آن در جواهری متعددی محصور است برای نشو و نما و بیل می باشد . در دو گوشه طرف بالا دیوار در حال شکار مرغی دیده



تصویر ۲۱ - قاب آینه کنوی خانه - بوزة هرهای تریبی - سده ۱۴ هجری

میشود و در دو گوشه پایین دو طاوس با ظرافت و دقت نقش گرفته شده است .

نوع دیگری قاب آینه وجود دارد که از جنس پارچه‌های مختلف مانند تافته و اطلس می‌بوختند و روی آنرا سوزن‌دوزی

میکردند . گاهی این قاب آینه‌ها از جنس زری ، نقره ، یا مصلخ دوخته میشد که در آن صورت سوزن‌دوزی نمیشد .

تصویر شماره ۲۳ قاب آینه‌ای را از جنس اطلس که روی آن گل‌سوزن‌دوزی شده است نشان میدهد .

قاب آینه دیگری که در تصویر شماره ۲۴ دیده میشود عبارت است از یک قاب هشت ضلعی نقره فلز زده که مخصوص آویختن بگردن بوده . این قاب دارای یک زنجیر ظریف



تصویر ۲۳ - قاب آینه کنوی منبت - بوزة هرهای تریبی - سده ۱۴ هجری

در بالا و آویزه‌هایی در قسمت پایین است . (باید توجه داشت که این قاب آینه یک زینت روستایی است) و آینه‌ای که معمولاً مردم شهر تین با خود همراه داشتند آینه‌های کوچک بغلی بود که قابی از نوع قابهای ذکر شده بالا داشت .

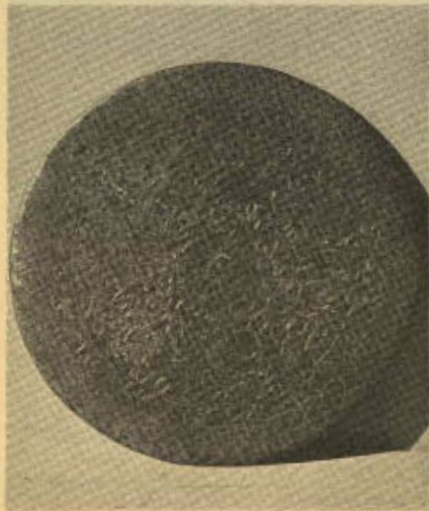


راست: تصویر ۱۹ - قاب آینه منبت - موزه هنرهای تریبلی -  
سنه ۱۴ هجری

چپ: تصویر ۲۰ - قاب آینه نقره فلزده مخصوص سفره هفت سین -  
موزه هنرهای تریبلی - سال ۱۳۹۷ هجری قمری

پایین: تصویر ۲۱ - قاب آینه سی‌گنده کاری شده - موزه هنرهای  
تریبلی - سنه ۱۳ هجری

آنچه بنظر خوانندگان ارجمند رسید تزییناتی بود که  
برای آینه‌های کوچک بکار برده شده‌است. آینه‌های بزرگتری  
هر که معمولاً روی طاقچه‌های اطاق قرار میگرفت دارای  
قاب‌های شایسته و زیبا بودند. آنها بترکاهی شکل آینه‌های  
در دواز ساخته میشدند و با نقاشی رنگ و روغنی تزیین می‌یافتند  
و یا دارای قاب‌های ساده بدون در بودند. گاهی باقی‌مانده‌های  
رنگارنگی که پشت آنها نقاشی شده یا ساده بود دور قاب آنها را  
تزیین میکردند/ آینه‌های بزرگتر تزیینات غالب دارای قاب‌های



بسیار نفیس ساخته و نقاشی شده بودند که هنوز هم نمونه‌هایی  
از آنها وجود دارد.

لازم است در اینجا گفته شود تعداد زیادی قاب آینه‌های  
نفس گوناگون در موزه هنرهای تریبلی گردآوری شده که ذکر  
خصوصیات یا تک‌تک آنها در صفحات محدود هنر مردم مقدور  
نیست و علاقمندان با آثار تریبلی ایران میتوانند شخصاً آنها را  
در موزه از نزدیک ببینند.

پایان

بعضی از اشیا که تصاویر آنها در این مقاله به چاپ رسیده  
متعلق به موزه ایران باستان میباشد.

بدینوسیله از همکاری موزه‌داران محترم موزه ایران باستان  
تشکر میشود.

بالا: تصویر ۲۳ - قاب آینه اطلالی گل‌نودخوری شده - سنه ۱۴  
هجری - موزه هنرهای تریبلی

پایین راست: تصویر ۲۴ - پشت قاب آینه برنجی فلزده - سنه ۱۴  
هجری - موزه هنرهای تریبلی

پایین چپ: تصویر ۲۵ - قاب آینه نقره - مخصوص آویختن بگردن -  
موزه هنرهای تریبلی - سنه ۱۴ هجری



# باغ شاه‌فین در کاشان



حسن نراقی

تاویض همین گوید آسوان نخستین را

در چشمه‌ی فین گشتاب افراشته تا کیوان  
(ادیب یضائی کاشانی)

بغیر اسلام را پرسیدند: در حالیکه همه امم گذشته  
زودی هلاک شدند، چرا ملک پارسیان چنین دراز کشید.  
بغیر فرمود:

« لاشهم عمروا فی البلاد و عدلوا فی العباد » .

یکی از سنن پاستانی پادشاهان ایران زمین، کوشش فراوان  
آنها در توسعه آبادانی‌ها و احداث آثار و ابنیه بودند عمومی  
بود در گذرگاه‌های بزرگ و کنار چشمه سارهای طبیعی همچون  
بستون، طاقستان، چشمه‌سار، چشمه اسکندریه نیارکاشان  
و چشمه سلیمانیه فین، تا این راه و روش پسنیدند نام لیک  
خود را جاودان سازند همچنان‌که پس از هزاران سال هنوز هم  
در پیرامون هر یک از آنها آثار پدید است متناهی عجم را .

\*\*\*

بر تو صفا و منظره نشاط انگیز چشمه روح افزای فین  
واقع در شش کیلومتری جنوب غربی کاشان که از شکل تخته  
سنگی‌های آهکی جویشید در سرچشمه شفاف و جویبار روح  
پرورش جلوه گر می‌نماید، از دوره‌های پاستانی همواره مورد  
توجه پادشاهان بلند همت و نامیوس بوده است، هر یک هم در  
کنار این چشمه اسفونگر باغ وستانی دلگشا آراسته و پاکیزه  
و سرائی شاهانه برپا ساخته‌اند .



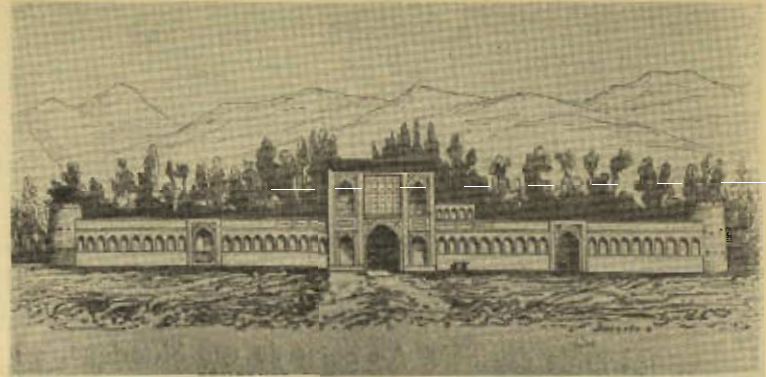
شکل ۱ - دورنمای منظره کاشان از همان چهارباغ و میدان دولخانه (دوره شامیاس بزرگ)

شکل ۲ - بهمان‌سرای عالی شامیاس در کاشان که از سنگ مرمر و کاشی ساخته شده بود



فین برگذار شد و لغت‌نامه دهخدا در شرح احوال شاه اسماعیل  
(کاشان) که همیشه حسن‌حسین شیعیان بود شاه اسماعیل  
را با وجد و سرور برپایان پذیرائی کرده و شاه در تقصیر فین  
چنین مینویسد:

فین برگذار شد و لغت‌نامه دهخدا در شرح احوال شاه اسماعیل  
(کاشان) که همیشه حسن‌حسین شیعیان بود شاه اسماعیل  
را با وجد و سرور برپایان پذیرائی کرده و شاه در تقصیر فین  
چنین مینویسد:



شکل ۳ - سر در قدیم ساختن باغشاه و بنا در خانه های دورتر آن

شکل ۲ ب - شترکروی شاه عباس



بارعام داد .  
 ولی در سال ۹۸۳ هجری برابر زلزله شدیدی اینبینه  
 وساختنهای قریب ننگی ویران وپشراز ۱۳۰۰ نفر ازسکنه  
 آنجا هم هلاک شدند . ازاینجهت شاه عباس کبیر در سال ۱۰۰۰  
 هجری برنامه منسل وجامعی برای آبادانی کاشان وپناهایی  
 جدید دولتی طرح نمود که ازآنجهت احداث باغ وسیعی هم  
 درسرچشمه قریب بود . این باغ نوبیاد ۵۰۰ متر بالاترازباغشاه  
 قدیم ودرمطهر چشمه سلیمانیه بطول و عرض ۱۵۷ در ۱۴۴ متر  
 احداث گردید دروسط باغ حوضخانه مرتضی درمطبقه یا  
 ایوانها وطاقهای متعددی بنا کردند . ازکف حوضخانه تا ازاره  
 پایه وستونها وهمچنین لبه حوض وجدول خیابانهای چهارچای  
 شترکروی شاه عباس با تخته سنگهای مرمرشاه و سیارزیبائی  
 پوشیده شده بود درسال ۱۰۰۴ هجری شاه عباس با هنگی خدم  
 وحشم درباری خود پیش ازدو ماه درعمرانهای نوبیاد میدان  
 دولتخانه کاشان که مشتمل بر کاخ هما بونی وباغوببارک مخصوص  
 اقامت نمایندگان دول یتگاه و مهمانسرای عالی شاه عباس  
 وپناهایی باشکوه دیگری درساتر خیابان چهارباغ بود توقف  
 نمود وماتند دوره شاه اسماعیل اول « بطرح محافل شاهی و تفریحی  
 بهشت آسا درباغ مرتضی قریب اشاره فرموده ودرمحال جشن  
 وچراغانی که درمیدان بزرگ دولتخانه ومیدانهای بازار وشهر  
 وچهاربازار قیصریه نوبیاد برپا میکردید (یکفته سفر روس

دسترنامه خود) (شکل ۱) و (شکل ۱ ب) . ششبار ازسرا  
 وهیئتهای نمایندگی بیگانه پندارانی بعمل آمد . پس از شاه عباس  
 نیزفرمان شاهنشاهی بنای دوطبقه بلندالائی باجوب وآهن  
 برقرار باغ شترکروی شاه عباس بنام کلاه فرنگی افزاشته شدکه  
 تا نخستین سالهای دوران مشروطیت برپا بود (شکل ۲)  
 و (شکل ۲ ب) .

گراور کلاه فرنگی که ملاحظه میشود از کتاب سفرنامه  
 اوژن فلائن فرانسوی برمشته شده . باغشاه تا پایان دوره  
 صفویه همچنان معمور وآباد واز تفریح گاههای پادشاهان آن  
 سلسله بود بطوریکه علاوه بر سرپرستی ومرافقت در تعمیرات  
 بکم و بیش برساختنهای آن افزوده میشد (شکل ۳) .

شکل ۳ - جدول مقابل در ورودی باغشاه قریب طرف استخر بزرگ



درفته افغان وماجراهاییکه پس از آن بلیه دامنگیر ایران  
 گردید باغشاه هم مانند کلیه اینبینه دولتی وعمومی کاشان  
 روبرویرانی نهاد . تا آنکه بر اثر زلزله بنیان کن سال ۱۱۹۲ همه  
 اینبینه و عمارات کاشان یکباره منهدم و ویران گردید .  
 ازاینجهت کریم خان شهریار زلد برای تدارک مسکن  
 ووسائل زندگی نجات یافتگان از زلزله فرمانی برای تجدید بنا  
 وساختنهای عمومی وشهری ازبجوبه و باره وبازار ومساجد  
 وغیره صادر نمود ولوازم آنرا در اختیار عبدالرزاق خان حاکم  
 کاشان قرارداد . او در حالیکه بساختنهای عمومی شهر  
 پرداخت چون اینبینه دولتی میدان دولتخانه وخیابان چهارباغ  
 بنگلی منهدم وغیر قابل تعمیر بود از آنها صرف نظر کردیم .  
 خرابیهای باغشاه را تعمیر وعمارت دوطبقه تاز سازی هم بنام  
 خلوت کریم خان بنا کرد . اما بر اثر زلزله وخوردهائی که پس از مرگ  
 کریم خان در محدوده کاشان رخ داد ، آن باغ و کاخ هم رونق  
 وآبادی خودرا از دست داد . در سلطنت فتحعلی شاه قاجار که  
 دوام وثباتی در اوضاع کشور پیدا شد طبع زیبایند خاقان  
 مایل ب عمران وآباد کردن آنجا گردید صدراعظم استغابلی را  
 مأمور این کار وساختن مدرسه سلفانی کاشان نمود (شکل ۴) .  
 علاوه بر تعمیر اینبینه قدیم باغشاه دستور خاقان حمام بزرگی  
 هم با سنگ وستونهای مرمرزیبائی ساخته شد . ودر زاویه  
 جنوب غربی باغ نیز صفا نوبیادی بنام شترکروی فتحعلی شاه  
 بنا نهادند که با نقش ونگارهای دلپذیری آراشته گردید . از جمله

شکل ۴ - مدرسه شاه آزالار فتحعلی شاه قاجار واقع در کاشان





شکل ۵ - نمای شرقی قلعشاهی باغشاه فین



شکل ۶ - بلور شرقی قلعشاهی بعد از تعمیرات جدید آن

شاهزاده‌های آن سینه میان هرطاقچه وطاقچه‌سورت یکی از فرزندان خاقان یا بابای درباری آنها بود (شکل ۵).

در گذشته دور سینه هم قفسه و تاریخ یا راکه خاوری کوزه‌کنانی گفته بود که برپای کرده بودند. اینست مطلع و مقطع آن قفسه:

زعمی عشرتگه خاقان فوی خرگاه خاقانی  
تدام نقش ارزنگی تو با مورگر مانی  
بیابان کاخ سلطانی چو آمد خاوری گمانا

که چاوید از جلوس شاه بادا کاخ سلطانی  
(۱۲۲۶)

در کف بنا و اطراف حوض و جدولها سنگهای مرمر سفیدی بکار برده بودند، ولی مرمرهای ازاره اطراف سینه دارای حجاری‌های زیبا و منقش با آب طلا بود. روی سنگهای دست‌انداز جلو شاهنشین هم این بیت که با خط مکتوبی کنده شده بود جلب توجه می‌نمود:

این دستگاه شه جهان است  
عشرتگه خسرو زمان است  
در شتر گوی شاه‌جاس هم با مر خاقان روی سقف و چدار همه بنا با نقش و نگارهای افشانهای ترین یافت. از آنجمله تصویر بزرگی از جلوس خاقان با وضع مخصوص خود بود که شاهزادگان و امرای بزرگه در طرف او بسف ایستاده‌اند و این

این مهبط نور است که دروادی طور است

یا انجمن شهاد که در گلشن فین است  
در سال ۱۳۲۴ ق نیز ادیب شیبانی کاشانی یکی از محافل شاهانه باغشاه را بنظم آورده است:

بیال ای عزمه کاشان خویش از طالع والا  
که پیش قدر میبوت دیونا شد قامت جوزا  
نشسته شاه بر ایوان بان خسرو انجم

ساده چله شهزادگان در خدمتت برها  
ادبا گر ندیده چشم کسی برانجمن انجم  
نکاشان گو یا بنگر برانجم انجمن پیدا

همان گوینده در سال ۱۳۲۶ نیز گفته است:

ای قصر فین خسرو نشین کت بخت پیدار آمده  
شاه جهان سوت همی با عزم دیدار آمده  
بیطاعت گوئی ای عجب در موسم عیش و طرب

هر سال شاهش بی‌تعب با هندی و آبیوار آمده  
در سال ۱۳۴۲ حکومت کاشان به علی محمدخان نظام‌الدوله نواده سردار اعظم اسفهان دادام سوکانی خاقان واگذار شد و او که با خورشید کلاه خانم همسر خود نکاشان آمد در باغ شاه اقامت نمودند. نظام‌الدوله برای حرمسرای خود درست شمال باغشاه ساختمان مفصلی بنا نهاد که به‌عبارت نظام‌الدوله معروف

گردید (شکل ۷).

در سال ۱۲۴۵ ق فتح‌الشاه جدی در آن باغ همیان دختر و داماد خود بود، ولی آخرین دیدار او از باغشاه در سال ۱۲۴۹ ق هنگام عزیمت با سفینان بود که هشت روز در آنجا بسربرد پس از خاقان محمدشاه نیز هنگام مسافرت با سفینان بازنده روز در باغشاه اقامت نمود و دستور ساختن تالار و خلوت مخصوصی را هم در ضلع غربی باغ داد (شکل ۸).

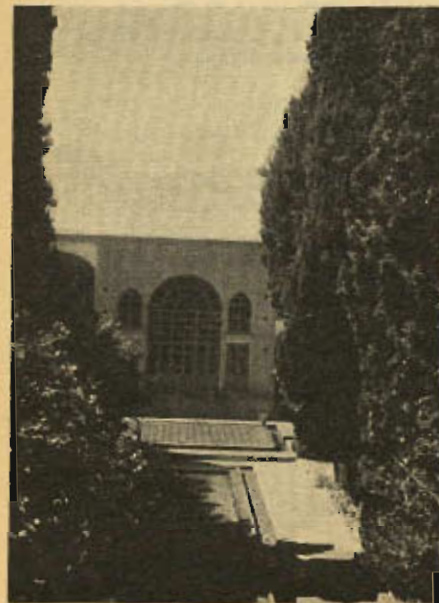
از آن تاریخ به بعد فقط شاهزادگانیکه حاکم کاشان بودند در باغشاه اقامت نموده آنجا را مرکز حکمرانی خویش قرار میدادند مانند شاهزاده طهماسب میرزا مؤیدالدوله در سال ۱۲۵۱ ق بهمن میرزا بهاء‌الدوله در سال ۱۲۵۲ فتح‌الله میرزا شجاع‌السلطنه در سال ۱۲۵۵ شاه‌رخ میرزا در سال ۱۲۶۴ و جلال‌الدین میرزا احتشام‌الدوله در سال ۱۲۶۸ و همچنین شاهزادگان و رجال بزرگ کشور و سفرای بیگانه که از کاشان عبور می‌نمودند در باغشاه فرود آمده و آنجا پذیرائی بعمل می‌آمد همچون فرهاد میرزا مستندالدوله فرمانفرمای فارس در سال ۱۲۵۷ و ۱۲۹۳ که در حین عبور براسله تذکر فتح‌الله‌خان شیبانی گوینده نامی برمنار ملاحسین فیض فرود آمده و دستور ساختن آرامگاه را با معجز آهنی برای آنجا داد.

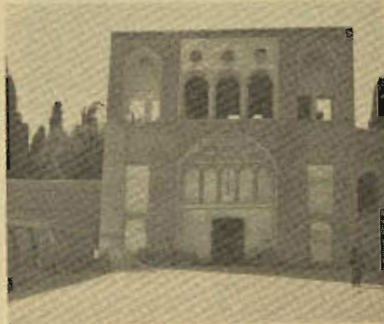
سرجان ملکم وزیر مختار انگلیس در سال ۱۲۳۵ ق



شکل ۷ - خلوت نظام‌الدوله که اکنون بر روی خرابه آن توره جدید ساخته شده

شکل ۸ - نمای اتاق شاه نشین باغشاه و حوض جوی





شکل ۹ - سر در باغشاه

شکل ۱۰ - ساختمان سر در باغشاه پس از تجدید بنای شاهراه احتشامالملک

کسترسی سفیر با هیئت سفارت فوق العاده فرانسه در ۱۲۵۶  
کنت گوبینو سفیر فرانسه در سال ۱۲۷۰  
سرپرستی کاخ مأمور سیاسی نظامی انگلیس در سال ۱۳۰۷  
اوگرن فرمانفرمای هندوستان در سال ۱۳۰۷  
جنرال گلد اسمیت انگلیس در سال ۱۲۸۷  
مادام دیولاوا فرانسوی در سال ۱۲۹۹

ناصرالدین شاه نیز در سال ۱۲۶۷ هنگام بازگشت از اسفهان  
چندی با تاق میرزا تقی خان امیر کبیر در باغشاه با تشریح  
و تفریح پرداخت ولی در پی نگذشت که صدراعظم دانا و توانای  
خود را بگناه راستی و درستی و جلو گیری از زیدی و رشوه خواری  
با همسر محبوبه اش که خواهر خود او بود بگناه نبید و مانند  
لبیکاری محکوم او را در اسفهان در دست خلوت نظام الدوله  
باغشاه فین زندانی کردند و پس از چهل روز رنج و شکنج  
روحی دادند. خون پاک و مقدسی که از قلب ایران در شراین  
آن مرد بزرگ جاری بود با تیغ خیانت کاری و ناجوانمردی  
ریخته شد. بر اثر این فاجعه تنگین نام و نشان باغشاه بکاره

از خاطرها فراموش گردید تا سال ۱۲۸۸ قی که شاهزاده  
احتشام الملک فرماندار کاشان و باغشاه را محل نشین خود  
ساخت. با تعمیرات اساسی (گوشی رخت سوگواری را از بیکر  
این باغ و کاخ بیرون آورد) (شکل ۹) و (شکل ۱۰).  
پس از آن هم بنا آغاز دوره مشروطیت باغشاه تنها  
تفرجگاه عمومی کاشان بود و پاس پرستی حکام وقت سروصورتی  
داشت. در این دوره بواسطه سرکشی و اغتیارگی ناپسند حسین  
کاشی باغشاه هم مورد تاخت و تاز و محال جنگ و گریز اشرار  
و قوای دولتی قرار گرفت.

پس نیز اشرار برای استفاده در ساختمانهای خود،  
اشیاء گرانبهای آنرا از دروینجره و سنگ مرمر و جویس و کاشی  
ناجواب وخته و آهن پارهای کلاه فرنگی بغارت بردند. بعد  
از ختم فائده اشرار توطئه‌ای برای ربودن و تملک آن بعمل آمده  
بود که بواسطه حسن نیت آقای تقی زاده وزیر دارالسی وقت  
جلو گیری شد و بالاخره در سال ۱۳۱۳ با اتمام آقای حکمت  
وزیر فرهنگ در فهرست آثار تاریخی ثبت و بنسرف اداره کل  
پاسانتهای داده شد. در سالهای اخیر نیز با کوشش‌های آقای  
محمطوی رئیس آن اداره علاوه بر مراقبت در نگهداری آن  
تعمیراتی بعمل آمده و دویزهای تازه در باغشاه ساخته شد:

- ۱ - ساختمان محفل و جامعی برای موزه آثار تاریخی  
کاشان در محفل غرابهای خلوت نظام الدوله که از طرف انجمن  
قانونی حفاظت آثار تاریخی کاشان و بهیبت و کوشش مرحوم  
احمد مدیر تفریحی رئیس آن انجمن ساخته و پرداخته شده.
- ۲ - بنای نوسازی از اضاغرات انجمن آثار ملی مرکز  
بر روی خرابیهای خلوت گرم‌خانه که مقابل عمارت نوبینه  
موزه است احداث گردید.

در پایان این گفتار از جمله قصائد و اشعاریکه گویندگان  
انوار مختلف دربار و مشع و سرنوشت باغشاه گفته‌اند به بیان  
مطلع دو قصیده اکتفا کرده و کشانیکه مایل بمطالعه تمامی آن  
قصائد هستند. بدین‌ها گویندگان مراجعه فرمایند.  
نخست ملک الشعراء بهار گفته:

سرچشمه فین بین که در آن آب روانست  
نه آب روانست که جانست و روانست  
دوم گویند نامی کاشان ادیب بیضائی که سوابق درختان  
باغشاه را در نظر دارد هنگام استیلائی اشرار تا اثرات خاطرش  
را در قطعه‌ای با این مطلع بیان کرده است:

عشرت که خاقان را تا کرد جهان ویران  
کاشان آلمستان شد چون مقبره خاقان  
سرچشمه فین گویی چمنی است که میگرد  
بسر منظر باغ شه بر منظری کاشان  
باغی که دل آسودی بر نغمه مرغاش  
از بیرون جغد اینک گردیده بقرستان

دشمنه نامی قلعه رنجورهای در این نسیم. با تخریب این قلعه گشتانیم  
و اساس علی سکنست کلمای در این نسیم. و اینست بجزای شما انواع و درین

کلمای رنجور هم شناخت

# عکاسی

دکتر شهاب «هادی»

## انواع دوربین‌ها

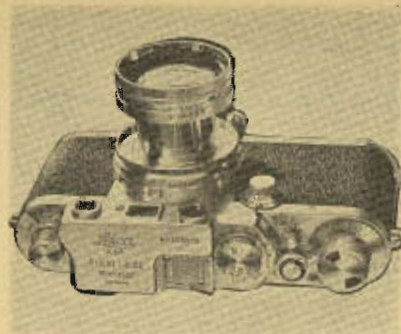
با وجود اختلاف و تنوع ظاهری، دوربین‌ها را از لحاظ  
نگاتیفی که بدست می‌آید میتوان به سه دسته اصلی و متخصی  
تقسیم کرد:

- ۱ - دوربین‌های ۳۵ میلی متری  
در تمام انواع این گروه، از فیلمی که ابتدا برای مصرف  
قیمبره‌های سفیدی ساخته شده بود استفاده میشود. این فیلم  
که دره و طرف آن سوخ‌هایی وجود دارد دارای ۳۵ میلی‌متر  
عرض است و تصویری که روی آنها گرفته میشود با بعد ۲۴x۳۶  
میلی‌متر میباشد که بعداً با اندازه‌های دلخواه قابل بزرگ‌شدن  
است. (این عمل که اگر اندکی سبب نامیده میشود در بحث تاریکخانه  
مستقلاً خواهد آمد).

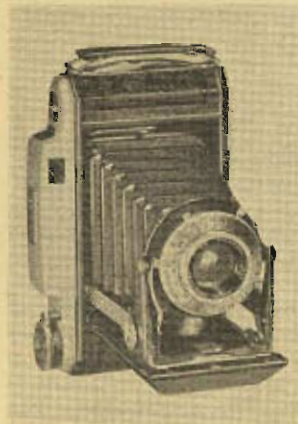
در بعضی از انواع این دوربین‌ها، که خیلی نادرن، ابعاد  
تصویر ۲۴x۲۴ میلی‌متر میباشد. مانند دوربین «روپوت».  
فیلمهای ۳۵ میلی‌متری در محفظه‌ای فلزی یا پلاستیکی نام  
کلیت قرار دادن و سر آن با اندازه‌ی ۱۰ سانتیمتر بیرون  
از کاست بوده و برای اتصال بقرقری غالی دوربین مورد  
استفاده قرار میگیرد. چون فیلم در کاست بدون رویوش  
و محافظ است لذا پس از خاموشی عکسبرداری باید آنرا دوباره  
بداخل کاست کشید و سپس در دوربین را باز کرد. در صورتیکه  
در انواع دیگر فیلمها باین عمل حاجت نیست و چون فیلم بایک



پاك فيلم و كاسيت بيست نالي



دوربين ۳۵ ميلي متری



دوربين ۶۸۹

ديگر از محسبات اين دوربين‌ها امکان گرفتن ۳۶ عكس پاك حلقه فيلم است كه بدون نگرانی از تمام شدن فيلم و مصرف جويي در مصرف آن ميتوان عكس‌هاي متعدد از يك موضوع معين گرفت و بعد بهترين آنها را انتخاب كرد.

اين نكته را فراموش نبايد كرد كه براي بست آوردن تصاویر جانبی و خوب از هر موضوع از زوایای متعدد و با حالات گوناگون لازم است چندین عكس گرفت و همچوقت به يك تصوير ناپيد اکتفا كرد. زیرا با این ترتیب هم عكسهای بهتر و جالبتر بدست میآید و هم حلقه فیلم زودتر تمام شده و ظهور میزند.

مزیت دیگر دوربين‌های ۳۵ ميلي متری قابل تعويض بودن از كتياف آنهاست (در محبت از كتيافها تعويض داده خواهد شد) كه در انواع ديگر كمتر امکان پذير ميباشند. در سالهای اخير اكثر كارخانه‌ها قسمت اعظم محصول خود را اختصاص بدوربين‌های ۳۵ ميلي متری داده‌اند و برای هر بودجه‌ای، از انواع خیلی ارزان تا گران قيمت‌ترين آنها را ميبازند. بعلت مزایای مذکور، مصرف‌كنندگان نیز تمایل بیشتری بآنها نشان ميباشند.

فيلمهای ۳۵ ميلي متری با عدد ۱۳۵ مشخص ميشود.

۴ - دوربين‌های ۶۸۶ و ۶۸۹

در این دو نوع چون عرض تصويری که گرفته ميشود ۶ سانتی متر ميباشد لذا از فيلم واحدی استفاده ميگردد كه آرا رول فيلم ميباشند. بعلت ثابت بودن طول نوار فيلم دو نوع ۶۸۶ و دو نوازه عكس و دو نوع ۶۸۹ هفت عكس بدست میآید.

متداول نيست. نیز از همین حلقه فيلمها استفاده ميشود كه در آنها ۱۶ عكس ميگيرد.

مذنی است كه توجه و علاقه‌ی عكاسان به نوع ۶۸۶ بیشتر شده و همین علت كارخانه‌های دوربين‌سازی نیز در تهیهی انواع مختلف آن ميكشوند. اكثر دوربين‌های ۶۸۹ كه سابقاً متداول بوده امروز بكلی متروك شده است و فقط مدل‌های مخصوصی ساخته ميشود.

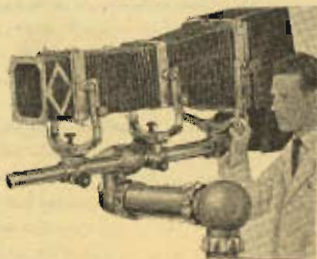
مزیت عمده‌ی این نوع، بزرگی تكايف آنهاست كه اگر انديشان‌های بزرگتری را برایش و خوبی امکان پذير ميباشد. از طرف ديگر نگهداری این تكايفها آسانتر و خفيلتر خرابی و خراش برداشتن و نگهدار شدن آنها كمتر است. برای محافظت تكايفهای ۶۸۶ و ۶۸۹ آنها را تك‌تاك برنده و هريك را در ياكی از كاسه مومي و با آلومين سندسفايمی از همین كاسه ميتوان نگاهداشت.

در دو طرف فر فرمی رول فيلم شياری وجود دارد كه به



دوربين ۶۸۶

دوربين ۱۸x۲۴ و پايه‌های عالی آن



هر دو مردم

گيری دوربين اتصال پيدا ميكند و چون گيره‌های مزبور در انواع مختلف دوربين‌ها، فردو اندازينی كوچك و بزرگ ساخته ميشود لذا فرقه‌های فيلم را در دو نوع متفاوت ميبازند و برای نمايز آنها از كتيك عدد ۱۲۰ را برای شيارهای بين و ۶۲۰ را برای شيارهای يار يك تعيين کرده‌اند كه حتماً در موقع خريد فيلم بايد بان توجه داشت.

دراكثر دوربين‌های اين گروه، از كتياف ثابت بوده و فقط در بعضی از آنها قابل تعويض ميباشد.

۴ - دوربين‌های ۹x۱۳ و بزرگتر

بطوريكه گفته شد دو ستای قبلی بعلت كوچكی و سبك قدرت عمل و تحرك پذيری در عكسبرداری داشته و وسای آمايورها مناسبتر و خفيلتر است.

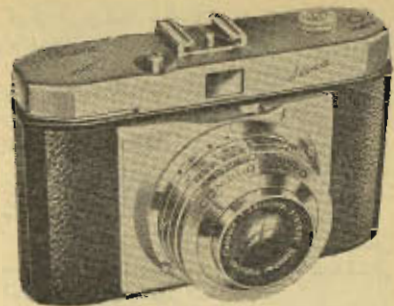
چون عكاسی با دوربين‌های بزرگ حتماً روی پايدی محكم بايد انجام گيرد لذا امکان استفاده از آنها در همه جا ميسرست، اما چون تكايف آنها بحد قابل ملاحظه‌ی بزرگ است لذا ميتوان برایش رتوش‌های دقيق و خوب روی آن بعمل آورد.

برای عكسبرداری با دوربين‌های بزرگ از شيشه يا فيلم تحت استفاده ميشود و چون فيلم دارای مزایای سبکی وزن و محبوبيت از شكنندگی است لذا روز بروز مصرف شيشه كم ميگردد.

پاك بسه رول فيلم و فيلم تحت



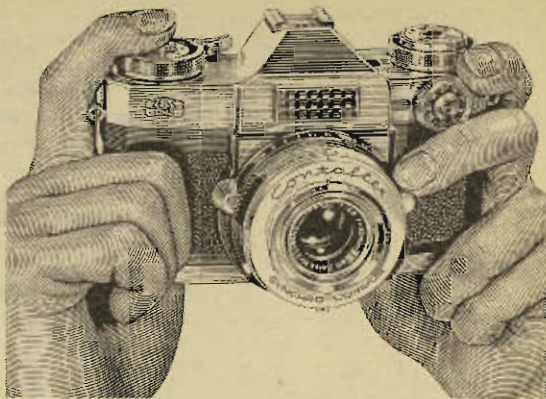




دوربین غیر رفلکس

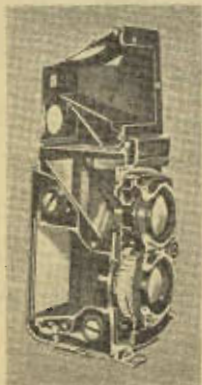
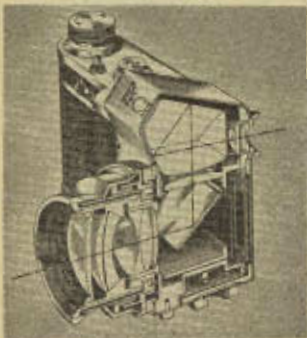


رفلکس دو ازکیفی



رفلکس یک ازکیفی

قطع دوربین رفلکس یک ازکیفی



قطع دوربین رفلکس دو ازکیفی

بازده و رفلکس

تمام دوربین‌های عکاسی را به شکل و اندازه‌ای که باشند

می‌توان در مجموع ساده و رفلکس طبقه‌بندی کرد :

۱ - دوربین‌هاییکه درجه یا پنجره دید (ویژر) دارند و برای تعیین کادر عکس از این درجه استفاده می‌نموند .

۲ - دوربین‌هاییکه دارای شیشه ناری هستند که تصویر

اشیا بر روی آن منعکس می‌گردد و همین مناسبت آنها را

رفلکس می‌گویند .

برام این دوربین‌ها اگر از کینه فلکس استفاده

می‌نموند ، مانند :

روایفلکس - اپکو فلکس - کینا فلکس - فلیکس و غیره

و بالاخره آخرین قسم را در مجموع اخیر می‌توان بعمل آورد :

۱ - رفلکس‌های دو ازکیفی مانند روایفلکس که در آنها

بسی دوربین از دو قسمت کاملاً مجزا تشکیل یافته است ، یک

ازکیفی مخصوص امکان تصویر بروی شیشه‌ی تار بوده

و دیگری اختصاصاً بگرفتن عکس دارد .

از این نوع بیشتر در اندازه‌های کوچک ساخته می‌شود که

راحت‌ترین دوربین‌ها از لحاظ عمل هستند زیرا در روی شیشه‌ی

تار تصویر عیناً پیمان شکل و اندازه‌ای که بر روی فیلم ثبت

خواهد شد بریده می‌شود .

۲ - رفلکس‌های یک ازکیفی مانند کینا فلکس که فقط

دارای یک ازکیفی اصلی هستند و در فاصله‌ی میان آن و فیلم

آینه‌ی واقع شده که تصویر را بوسیله‌ی یک منشور بر روی

شیشه‌ی تار منعکس می‌سازد . اغلب این سیستم دوربین‌های

۳۵ وجود دارد .

بدینجا تقسیمات اساسی انواع مختلف دوربین‌ها خاتمه

می‌یابد ، ولی از تقاضای نظر باختمان و تجهیزات قدری نوع

زیاد در میان دوربین‌ها وجود دارد که شرحش بی‌فایده آنها

امکان ندارد ، هر گس نسبت به نوع کار و استفاده‌ی شخصی خود

بهرت است دوربین مناسبی را انتخاب کند و بهتر کار آن کاملاً

مسلط گردد .

اما در هر حال باید فراموش کرد که یک تصویر جانب

و پررزش فقط حاصل عمل دستگاه بیرونی می‌تواند باشد .

بمعمولاً اشخاص بی اطلاع و کونترتکر را دیدن عکس جانبی

می‌گویند : «حتماً دوربینش عالی بوده» و یا می‌پرسند : «چرا چه

دوربینی گرفته شد؟»

این بدان مانده که :

- در برابر یک جسمی گرانبها می‌گویند : سنگش عالی

است و یا بپرست با چه چکش آنرا تراشیده‌اند؟

- نادیدن یک تابلوی نفیس نقاشی گفته شود : رنگ‌هایش

ساخت کدام کارخانه است؟ و یا فرجه‌هایش فوق العاده بود .

- بافتن آهنگی که از زبردست و نغمه‌ی نابغه‌ی بیرون

می‌آید سؤال شود سازش چه مارک دارد که این چنین عالی

و دشتین است .

- پس از خواندن قطعه شعر دلپذیری گفته شود کاغذ

و قلمش اعجاز کرده .

پس آنکه نام مجسمه‌ساز ، نقاش ، موسیقی‌دان و یا شاعر

را بپرست .

این عکاسی هنرمند است که با داشتن اطلاعات فنی کامل

و کافی ، با کنار زدن ذوق و استعداد و هنر و فکر و بالاخره

با درآمیختن همای آنها با روح و احساسات خود یک اثر

قصتی خلق میکند که دوربین اتوماتیک و گرانقیمت او .

تشکر - طی يك ماهه گذشته عدد بسیاری از دوستان و علاقمندان هنرمردم بطرق مختلف آغاز دومین سال انتشار این مجله را تبریک گفته‌اند .  
ما احساسات پاك و بی‌آلایش این دوستان عزیز را گرامی میداریم و امیدواریم توفیق همواره رفیق باشد که چنین ابراز محبت را ثابت باشیم .

هنرهای دراماتیک - آقای تقی مختار خواننده گرامی ما در يك نامه جانب نوشته‌اند :  
« اینك كه دست بقلم برده‌ام و میخواهم چیزی بنویسم شاید بهتر باشد كه از حاشیه‌رفتن و تعریف و تسبیح - كه البته بجا است - دوری گیریم و پاسل مغلوب بپردازیم . . . . . » ایشان سپس شعوری از سر مقاله شماره اول هنرمردم و مقاله «آشنائی با مکانی ناشناخته» همان شماره را نقل نموده چنین ادامه داده‌اند : « . . . . . در این مدت هزینه انتظار کشیدیم متأسفانه با نوشته‌ای ناپخته كه علاوه بر این همه ظرایف كه خواننده‌ام مرا با كار و فعالیت‌های اداره هنرهای دراماتیک آشنا كند . . . . . درجله سنگین و زیبای شما از همه هنرها بختی بیان آمده است و ما را كه در لیب پاك مجله هنری واقعی میسوزیم تقریباً راضی کرده ولی همانطور كه ذكر كردم تنها در این میان بر نامه‌های نمایش بدست فراموشی سپرده شده‌است . . . . »

ما انتشار مطالبی را درباره هنرهای دراماتیک مورد مطالعه قرار داده‌ایم و بزودی بدین كار آغاز خواهیم نمود در حالیکه از تذکر بجای این خواننده گرامی سپاسگزاریم .

اشتراک - برای علاقمندان گرامی ، آقایان : حبیب‌الله کریمی - محمدی - دکتر محمد علی موحد - احمد علی سجایی - محمد حسن سلامت - لاجوردی - قیاسم - از تهران ، سید جلال حدادی از بیرجند كه تقاضای مجله نموده‌اند از همین شماره مجله ارسال داشتیم ، خواهشمندیم وصول مجله‌ها را اعلام دارند .  
پایخ‌های کوتاه

آقای جواد محمدرزانه سیلابی - سؤالات شما را زود یکی از اهل فن ارسال داشتیم و پس از دریافت پاسخ بدرج آن مبادرت خواهیم کرد .

سازمان دکوراسیون دالکو - با تشکر قسمتی از تقاضای شما را كه امکان داشت انجام دادیم .

آقای امین فقیه - از لطف شما متشکریم . امیدواریم در وظیفه‌بزرگی كه بهمه دارید توفیق حاصل نمائید .

آقای حبیب‌الله کریمی - از محبت سرکار سپاسگزاریم . شماره‌هایی را كه داشتیم ارسال نمودیم . بقیه شماره‌ها متأسفانه موجود نیست . موفق باشید .

آقای بیژن نوری - ما هم موفقیت شما را آرزو مندیم . متأسفانه انجام تقاضایمان مقدور نیست . باز هم برای ما نامه بنویسید .

آقای اسماعیل قدکچی - نامه محبت‌آمیزتان رسید . توفیق شما را آرزو داریم .

آقای محمد اسماعیلی - لطفاً سؤالاتان را بفرستید . در همین قسمت از مجله با آنها پاسخ خواهیم داد .

آقای ابوالحسن باستانی قمشه‌ای - متأسفانه شماره‌های مزبور را نداریم . لطف سرکار موجب سپاسگزاری است .

آقای نصرت‌الله ایران‌زاد - لطفاً در یکی از روزها با اداره مجله مراجعه نمائید .

آقای عباس صمدی - بوجوب دقت شما شماره یازدهم ارسال شده‌است . لطفاً علت رسیدن مجله را درجای دیگری جستجو نمائید .

آقای پرهان ابن‌یوسف - نامه سراسر لطف سرکار ما را دلگرم میسازد . محبت شما را سپاس میگوئیم .

مناظره - شمس منجعه مقابل مربوطه بنفاله حکامی  
هنرمردم

